

# کارگر کمونیست ۱۲۵

دو هفته یکبار، شنبه، منتشر میشود

نشریه ای از حزب کمونیست کارگری ایران - درباره مسائل جنبش کارگری

kargar\_komonist@yahoo.com

www.wpiran.org/kk-index.htm



## جنبش کارگری و موقعیت امروز آن

گفتگویی با حمید تقوایی در برنامه تلویزیونی کارگران و یک دنیای بهتر در کانال جدید

**شهلا دانشفر: حمید تقوایی**  
میخواهم نگاهی داشته باشیم به جنبش کارگری به دنبال یک سال اعتراضات و مبارزات و خیزش انقلابی که در جامعه شاهد آن هستیم. ما مشخصاً اعتصاب عمومی موفق در کردستان را پشت سر گذاشتیم و من از همینجا سوالم را شروع میکنم. در بیانیه حزب از این اتفاق بعنوان یک گام بزرگ به جلو

در اعتراضات کل جامعه و بدست

صفحه ۳



## در سالگرد تظاهرات میلیونی خرداد ماه و آغاز انقلاب مردم ایران، پر توان باد مارش انقلاب علیه جمهوری اسلامی!

سالگرد تظاهرات میلیونی مردم تهران و سایر شهرها در خرداد ۸۸ فرا میرسد. اعتراضاتی که در واقع فوران خشم ۳۰ ساله مردم ایران علیه جمهوری اسلامی بود و جلوه های شکوهمندی از عزم و به میدان آمدن میلیونها انسان برای تحقق خواستههایشان و عقب راندن یک رژیم سرکوبگر و جنایتکار را به نمایش گذاشت. جهان در ستایش و حمایت از این تلاش عظیم و انسانی به شوق آمد و پیا خاست. تصاویر وارونه ای که سالها میدیای رسمی کوشیده بود از جامعه و مردم ایران بسازد یکشنبه فرو ریخت. معلوم شد که "ایران یک جامعه اسلامی نیست" و مردم ایران برای بهترین

صفحه ۲

## تظاهرات در ژنو در همبستگی با مبارزات کارگران و جنبش انقلابی مردم

چهارشنبه ۲ ژوئن از ساعت ۱ بعد از ظهر صفحه ۲

- اخبار اعتراضات کارگری در ایران صفحات ۱۴-۱۰
- چند خبر از اعتراضات کارگری در سطح جهان داود رفاهی صفحه ۹
- گفتگوی حسین، عضو شورای موقت کارگری مجتمع های پتروشیمی ماهشهر، با «رادیو فردا» صفحه ۱۶
- گفتگوی رادیو دویچه وله با رضا شهابی عضو هیات مدیره سندیکای واحد و نماینده هیات حل اختلاف صفحه ۱۵
- در اعتراض به حضور عوامل خانه کارگر در اجلاس مجمع جهانی کار - جمعی از کارگران ایران خودرو صفحه ۴

## چرا راه حل های سرمایه دارانه به درد کارگر نمی خورند؟

همچنانکه انتظار می رفت، انقلاب جاری مسائل مهمی را در مرکز ثقل سیاست روز قرار داد. بسیاری از این مسائل بهر حال بخش مهم سیاست بوده اند، اما در تلاطمات انقلابی از حالت دور از چشم بیرون آمده، به متن رانده شده و زیر نورافکن قرار گرفته اند. کشمکش بر سر حق و حقوق کارگر و اینکه این حق و حقوق چیست و تا کجا می توان با آن ساخت و کنار آمد، یکی از این موضوعات و



ناصر اصغری

مسائل است. دستپاچه شدن

صفحه ۷

جریان است و اوج افسار گسیختگی سرمایه را در این جامعه نشان میدهد. کارگرانی که جز نیروی کار خود چیزی برای فروش ندارند و سرمایه داران آنها را در بی حقوقی مطلق به شنیع ترین صورت مورد سوجوبی قرار میدهند تا جایی که

صفحه ۳

اسلامی قرار گرفته است و وقتی گزارش خبری که این خبرگزاری در این رابطه منتشر کرده است را میخوانیم، متوجه میشویم آنچه که موجب شده تا گزارش تهیه و منتشر شود نگرانی است که در دل بورژوازی و مبلغین آن انداخته است. این بدان خاطر

صفحه ۵

## مزایده مرگ

فرح صبری  
میان این خبرهای هرروزه خبر مرگ یک کارگر جوان در کارخانه شیمیایی سولفات باریم در نزدیکی سمنان را خواندیم. این اخبار از جنایاتی میگویند که در برخی کارخانجات با سختی کار و آلودگی بسیار بالا در

## کارگران امیدوار، مزدوران نگران

یاشار سهندی  
باشد. و گر نه سوژه ای به نام کارگر "آرزش خبری" ندارد. حتی به اندازه چوب شور توی گلسوی رئیس جمهوری! کارگران لوله سازی اهواز مورد توجه خبرگزاری مهر یکی از بنگاههای "تولید خبر" جمهوری

کارگران لوله سازی خوزستان و هراس رژیم	شهلا دانشفر	صفحه ۶
اعتراضات پراکنده دیگر جوابگو نیستند!	ناصر اصغری	صفحه ۵
اعتصاب عمومی: ابزار دیگری برای مبارزه!	کریم مهر پرور از ایران	صفحه ۶

# آزادی، برابری، حکومت کارگری!



## تظاهرات در ژنو در همبستگی با مبارزات کارگران

### و جنبش انقلابی مردم

چهارشنبه ۲ ژوئن از ساعت ۱ بعد از ظهر

اجازه داد سرکوبگران کارگران و مردم ایران در آی ال او حضور یابند. رژیم اسلامی ایران، بخاطر سرکوب کارگران و تحمیل بیحقوقی مطلق به آنها، باید از آی ال او اخراج گردد.

در حمایت از مبارزات کارگران و جنبش انقلابی مردم ایران و برای آزادی کارگران زندانی و همه زندانیان سیاسی در این تظاهرات شرکت کنید!

همه مردم آزادیخواه و همچنین سازمان های کارگری را به شرکت در این تظاهرات فرا میخوانیم.

زمان:

در همبستگی با مبارزات کارگران و جنبش انقلابی مردم برای تحقق آزادی و برابری، برای اخراج جمهوری اسلامی از سازمان جهانی کار در تظاهرات روز چهارشنبه ۲ ژوئن در مقابل محل کنفرانس سازمان جهانی کار (آی ال او) شرکت کنید!

اجلاس سالانه سازمان جهانی کار (آی ال او) از ۲ ژوئن در ژنو آغاز بکار خواهد کرد. قرار است هیئت نمایندگی رژیم اسلامی ایران و نمایندگان سازمانهای دست ساز آن، همچون سالهای گذشته، در این اجلاس حضور بهم رسانند. نباید

چهارشنبه ۲ ژوئن از ساعت ۱۳

محل: ژنو مقابل محل کنفرانس سازمان جهانی کار (آی ال او)

تلفن تماس: آرش مهدی نژاد  
۰۰۴۱۷۶۳۰۶۰۷۲۳

کارگر زندانی، زندانی سیاسی آزاد باید گردد!

جمهوری اسلامی ایران باید از آی ال او اخراج گردد!

تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران

۲۵ مه ۲۰۱۰

دوباره این شیوه مبارزاتی آماده شوند. باید در محلات و محل کار و

تحصیل متشکل شد و برای اقدامات سراسری و متحد نظیر اعتصاب عمومی تدارک دید. در خارج کشور باید برای موج وسیع و کوبنده دیگری از تظاهرات در همه شهرهای بزرگ اروپا و آمریکای شمالی و حمله به سفارتخانه ها و مراکز جمهوری اسلامی آماده شد. باید همه جا از فرصت سالگرد روزهای تاریخی خرداد ۸۸ استفاده کرد و انقلاب را هرچه متشکل تر و متعین تر به پیش راند. باید درسهای ماه اخیر را یادآوری کرد و بویژه تلاشهای جناح مغلوب و اپوزیسیون طرفدار رژیم برای محدود کردن اعتراض مردم در چهارچوبه نظام اسلامی را تماما افشا و رسوا کرد. باید به همه دنیا نشان داد که انقلاب کنونی تا سرنگونی کل جمهوری اسلامی و تحقق آزادی و برابری و رفاه و حرمت انسان از پای نمی نشیند. ما دست همه زنان و مردان آزاده و همه نیروهای سیاسی علیه جمهوری اسلامی را به گرمی میفشاریم و در جهت شکل دادن به مارش هرچه قدرتمند انقلاب در روزهای پایانی خرداد با تمام قوا میکوشیم.

زنده باد انقلاب انسانی حکومت انسانی

سرنگون باد جمهوری اسلامی زنده باد جمهوری سوسیالیستی

حزب کمونیست کارگری ایران ۶ خرداد ۱۳۸۸، ۲۷ مه ۲۰۱۰

## در سالگرد تظاهرات میلیونی ...

از صفحه ۱ در کردستان به فراخوان کمونیستها و مبارزه جانانه مردم علیه اعدام ها حاکی از آنست که انقلاب کماکان چپ تر و رادیکالتر میشود و برای یورش زیر و رو کننده تر علیه جمهوری اسلامی تجدید قوا میکند. دقیقا در وحشت از برخاستن موج دوم و پر قدرت تر انقلاب است که رژیم اسلامی با نزدیک شدن سالگرد تظاهرات میلیونی در هفته آخر خرداد به تقلا افتاده و علیه "بدحجابی" نعره میکشد و چوبه های دار برپا کرده است. روزهایی چون ۲۲ خرداد (روز شروع تظاهرات های میلیونی)، ۲۵ خرداد (روز حمله جنایتکارانه به کوی دانشگاه) و ۳۰ خرداد (روز به قتل رساندن ندا و تعدادی دیگر در تهران) وقایعی است که جهان به خوبی بخاطر دارد و میلیونها نفر را در ایران و خارج از ایران به حرکت درخواهد آورد.

حزب کمونیست کارگری همه زنان و مردان آزاده در ایران و در سراسر جهان را فرامیخواند تا در سالگرد تظاهرات میلیونی خرداد برای برپایی اعتراضاتی هرچه گسترده تر بر علیه جمهوری اسلامی به میدان بیایند. در داخل کشور باید به اشکال مختلف، از سردادن شعار "مرگ بر دیکتاتور" بر پشت بام ها تا شعار نویسی بر در و دیوار، تا برپایی حرکات اعتراضی در دانشگاه ها و دبیرستانها و محلات به استقبال این روزها رفت. باید از هم اکنون قول و قرارها را گذاشت تا توده های هرچه وسیعتری برای حضور در تظاهرات های خیابانی و از سر گرفتن

دستاوردهای بشری به شیوه ای مدرن و در منتهای تمدن مبارزه میکنند. وحشیگری و سبیت اوباش اسلامی حاکم در مقابل جسارت، فداکاری و انسانیت زنان و مردانی که برای بدست گرفتن سرنوشت خود پیاخته اند، سران جمهوری اسلامی را به "دیکتاتور سال" و ندا آقاسلطان را به قهرمان جهان تبدیل ساخت. علیرغم تفاسیر بی مایه و تلاش مضحک ژورنالیسم نوکر خیلی زود معلوم شد که تحولات شروع شده در ایران نه "اعتراض به نتایج انتخاباتی"، نه تلاش برای اصلاحاتی در رژیم منفور اسلامی بلکه اعلام حضور میلیونی و مستقیم توده های مردم بر سر تعیین تکلیف قدرت سیاسی و شروع انقلاب بر علیه جمهوری اسلامی است. انقلابی که طی یکسال گذشته جامعه ایران را زیر و رو کرده و علیرغم افت و خیزهایش، همچنان ادامه دارد و جمهوری اسلامی را در چنبره پرقدرت و مهیب خود میفشرد. یکسال پس از شروع انقلاب حاضر، جمهوری اسلامی به مراتب رسواتر و منزوی تر شده است، تناقضات و بحران های درونی اش بمراتب حادثر شده و افق و چشم انداز بقایش تیره و تار شده است. رژیم اسلامی با شقاوت و جنایت بسیار توانست موقتا سلاح تظاهرات خیابانی را از دست انقلاب درآورد، اما نشانه های متعدد از جمله اول ماه مه امسال و اعتصاب عمومی



اساس سوسیالیسم انسان است. سوسیالیسم جنبش بازگرداندن اختیار به انسان است.

**منصور حکمت**

## کارگر کمونیست

نشریه ای از حزب کمونیست کارگری ایران

درباره مسائل جنبش کارگری

سردبیر: شهلا دانشفر

Email: shahla\_daneshfar@yahoo.com

هیئت تحریریه

ناصر اصغری

nasser\_asgary@yahoo.com

کاظم نیکخواه

kazem.nikkhah@googlemail.com

یاشار سهندی

y\_sahandi@yahoo.com

حسن صالحی

hasan\_salehi2001@yahoo.com

سایت حزب کمونیست کارگری ایران

www.wpiran.org

Tel: 0046 739 318 404

Fax: 0046 864 897 16

markazi.wpi@gmail.com

دفتر

مرکزی

حزب

مسئولیت مطالب با نویسندگان آنهاست. درج مقالات در کارگر کمونیست لزوما به معنی تأیید مضمون آنها از جانب نشریه نیست.

## جنبش کارگری و ...

از صفحه ۱

دادن الگویی از شکل اعتصاب و مشخصا اعتصابات سراسری کارگری سخن میگوید، به نظر شما تاثیرات مشخص این حرکت در جنبش کارگری چه میتواند باشد؟

حمید تقوایی: این اولین بار است که در جنبش يك سال اخیر اعتصاب به عنوان يك شیوه موثر و خیلی موفق علیه جمهوری اسلامی به کار گرفته شد و طبعاً این در برابر جنبش کارگری این الگو و چشم انداز را قرار میدهد که این امر عملی و امکان پذیر است و میشود با اعتصاب عمومی يك جبهه جدیدی علیه حکومت گشود و طبعاً خیلی روشن است که کارگران نقش اساسی و تعیین کننده ای را دارند. درست است که در کردستان اعتصاب عمومی بود اما اعتصاب کلايك شیوه مبارزه کارگری است، کارگران در چند سال اخیر حول مسائل کارگری و مسائل جنبش خودشان دست به اعتصابات زیادی زدند، ولی این اعتصاب در کردستان نشان میدهد که در دل این جنبش انقلابی و علیه جمهوری اسلامی در اعتراض به اعدامها و برای پایین کشیدن این جنایتکاران، باید و میشود به اعتصاب متوسل شد. بنابراین از نظر شکل مبارزه و يك شیوه موثر برای مبارزه با جمهوری اسلامی این يك تجربه خیلی موفق و يك الگوی مناسب بخصوص در مقابل فعالین جنبش کارگری، نهادها و دست اندر کاران این جنبش قرار میدهد.

نکته مهم دیگر این است که این اعتصاب به فراخوان نیروهای کمونیست و چپ شکل گرفت و طبعاً این هم به سرعت و نقش و ثقل طبقه کارگر را در محور این قضیه قرار میدهد. درست است که خیلی از نیروهای اپوزیسیون دیگر هم به این حرکت پیوستند ولی ابتکار و پیشگامی این عمل با نیروهای کمونیست بود و حزب ما هم یکی از نیروها بود که این فراخوان را داد و اساساً جامعه کردستان پاسخ داد به این فراخوان و بسرعت در عرض ۴۸ ساعت جامعه عکس العمل نشان داد و این یکبار دیگر توجه ها را کلا به کمونیسم و چپ در جامعه متوجه می کند یعنی به آن افق و اهداف و سیاستهایی که طبقه کارگر در برابر جامعه می گذارد. این يك اعتراض به

بیشتر هم میشود این را بررسی کرد ولی مهمترین مولف های آن این دو نکته است که توضیح دادم.

شهلا دانشفر: بله اجازه بدهید باز برمی گردیم به این جنبه که به عنوان يك الگو برای جنبش کارگری و اعتصابات سراسری صحبت کردیم و ما مدتهاست به عنوان يك حلقه کلیدی برای زدن ضربه جدی و قاطع بر پیکر این رژیم بر آن تاکید میکنیم. اما اجازه بدهید نگاهی بکنیم به خود جنبش کارگری. شما مشخصاً امروز جنبش کارگری را چگونه می بینید و کلا موانع و مشکلات آن را چطور توضیح می دهید؟

حمید تقوایی: این بحث تازه ای نیست ولی در متن شرایط جدید با توجه به شرایط جدید میشود دوباره بحث را مطرح کرد و سوال مربوطی است. نکته ای که ما همیشه بر آن انگشت گذاشتیم در مورد ضعفهای جنبش کارگری دو جنبه داشته است، یکی تشکل و متحد شدن و هرچه بیشتر سازمان یافتن جنبش کارگری که فکر کنم نکته ایست که تمام نیروهای چپ و فعالان جنبش کارگری در آن متفق القول هستند که نقطه ضعف جنبش کارگری پراکندگی آن است. اجازه بدهید همین جنبه اول را کمی توضیح بدهم. راه حلی که ما برای این همیشه گفتیم این است که باید در سطح علنی رهبران شناخته شده جنبش کارگری به میدان بیایند، کمیته ها، نهادها، تشکلات، هیئت موسسها، این نوع تشکلات را به وجود بیاورند و از این طریق به طرف سازماندهیهای توده ایتر بروند، مثل مجامع عمومی، شوراهای، سندیکاهای، کمیته های اعتصابی و غیره. و این قدم اول باید گفت در سطحی خوشبختانه عملی شده. نمونه های موفق داریم که میتواند الگویی باشد برای اینکه بسرعت زیاد بشود و گسترش پیدا کند. مثل همین نهادهایی که هم اول ماه مه پارسال فراخوان دادند و فراخوان موفق بود در پارك لاله و هم امسال خیلی رادیکال و با جهت و سیاستها و اهداف کاملاً آزادی خواهانه و برابری طلبانه و خطاب به اقشار مختلف جامعه و با انگشت گذاشتن بر روی مسائل عمده کارگری يك فراخوانی دادند. این همیشه يك جنبه تاکید ما بود است که باید نهادهای کارگری و فعالان کارگری، کمیته ها، و تشکلهای کارگری قطعنامه و بیانیه بدهند و نه

## مزایده مرگ ...

از صفحه ۱

چشم و لختی دست و پا بیرون می آید و تا اینکه دیگران از وضعیت حال این کارگر قربانی مطلع شوند، مرگ او را به کام خود فرو میبرد. خبر کشته شدن کارگر جوانی که تنها چند روزی بود که کارش را در این کارخانه شروع کرده بود و حتی هنوز بیمه نشده بوده و در مزایده مرگ این چنین دردناک جان خود را از دست داد. اعلام شد مرگ مشکوک بوده و برای تحقیقات بیشتر به پزشک قانونی برده میشود. معلوم است مرگ مشکوک یعنی چه، یعنی ممکن است مثل ۹۰ درصد موارد به مقصود خود قربانی باشد. اما کیست که نداند ماجرا از چه قرار است و چگونه کارفرمایان و دولت در چنین جنایاتی سهیمند. این خبری بود که در کارخانجات اطراف پیچید و همه کارگران قدیمی علت مرگ را به خوبی میدانند و کارگران قاتلین را میشناسند. سال گذشته نیز ۳ کارگر افغانی در کارخانه قیر در ساوه بدلیل رفتن به استخر سرویشده قیر به کام مرگ رفتند. این جنایتی است که هرروز جریان دارد و جان انسانها به مبالغ بسیار اندکی به مزایده گذاشته میشود. این خبر فاصله زیادی با خبر اعدام فرزند کمانگر و چهار زندانی سیاسی دیگر نداشت. همه کارگران میدانند که این اعدامها و آن مرگهای "مشکوک" کاملاً بهم مربوطند. آری تنها با سرپا نگاهداشتن چوبه های اعدام و کشتن فرزادها میتواند به حکومت خونین و ننگین سرمایه دامنه دهند و خون کارگران را به شیشه کنند. \*

فقط مسائل جنبش کارگری بلکه مسائل عمومی جامعه را که علیه این حکومت به حرکت در آمده است مورد خطاب قرار بدهند و در مورد آن صحبت بکنند و این اتفاق میشود گفت تا حدودی شروع شده است. نه فقط امسال، بلکه سالهاست شروع شده و نهادها و کمیته های مختلف کارگری قدم به جلو گذاشته اند، فعالان سرشناس کارگری قدم به جلو گذاشته اند و فعالیت میکنند. در متن این بحث تاکید بر اینجاست که این نوع تشکلهای میتوانند آن حلقه ها و محورها و مراکز باشند

صفحه ۴

## اساس سوسیالیسم انسان است.

سوسیالیسم جنبش بازگرداندن اختیار به انسان است.

## جنبش کارگری و ...

از صفحه ۳

کارگر بلکه مسائل طبقه کارگر به عنوان يك طبقه اجتماعی که راه حل دارد. نه فقط به عنوان قربانی، بلکه به عنوان کسی که می‌خواهد رهبر جامعه بشود و راه حل و سیاستهایش و آلت‌ناتیوهاش واقعا راهی بخش است و به مسائل توده مردم جواب میدهد. به مسائل محرومان جامعه، زنان، جوانان، معلمان و پرستاران پاسخ میدهد. جواب مسائل اجتماعی مثل تن فروشی، اعتیاد و افسردگی و خودکشی را که همه از مسائل جامعه سرمایه داریست، نزد طبقه کارگر است و به همین خاطر طبقه کارگر باید مدعی باشد. به عنوان مدعی العموم جامعه قدم به جلو بگذارد و همه این مسائل را هدف قرار دهد، طرف خطاب قرار بدهد و در مورد آن حرف بزند و سیاستهای خودش را توضیح بدهد. جنبش کارگری، بخصوص فعالان و کمیته‌ها و دست اندر کاران جنبش کارگری باید هر چه بیشتر خودشان را در این موقعیت و در این ظرفیت ببینند. و از این موقعیت با جامعه صحبت کنند، بر علیه حکومت صحبت کنند و رهنمود بدهند. بیانیه اخیر ۱۰ تشکیل کارگری بمناسبت اول مه به این نزدیک میشود ولی باید بسیار بیشتر از اینها باشد. فقط اول ماه مه نباید باشد، در فرصتها، در اعتراضات مختلف به مسائل اجتماعی مختلف به فرض دفاع از زندانی سیاسی، علیه اعدام، علیه تبعیض جنسی در جامعه و آپارتاید جنسی، باید کارگران با همان قدرتی صحبت کنند که در مورد پایین بودن حداقل دستمزد صحبت میکنند، علیه نپرداختن دستمزدها صحبت میکنند، علیه بیکاری، اشتغال، و بیمه بهداشتی و غیره، مسائل مبتلا به کارگران صحبت میکنند. با همان قدرت باید علیه مذهب در دفاع از آزادیهای بی قید و شرط، علیه تبعیض نسبت به زنان و آپارتاید جنسی در جامعه و برای خلاصی فرهنگی جوانان کارگران باید قدم به جلو بگذرند. البته این سیاستها و اهداف از طرف حزب طبقه کارگر، حزب کمونیست کارگری طرح شده و مطرح شده است و اصلا طبقه کارگر حزب را به همین خاطر می‌خواهد. ولی این باید بسیار فراتر از فقط سیاستها و اطلاعاتها و فعالیتهای حزبی برود و باید در يك سطح اجتماعی به وسیله تمامی فعالان کارگری مطرح بشود.

کارخانه و نه در مدرسه و استادیوم ورزشی و خیابان و همه ابعاد اجتماعی نبیند و فقط کارگر را محدود کند به مسائل کارگری به عنوان تولید کننده در خود کارخانه، مسئله صنفی باقی خواهد ماند. و نه تنها جامعه را به حرکت در نخواهد آورد- که طبقه کارگر موظف است و باید این کار را بکند تا آزاد بشود - نه تنها ضررش این است که در این جهت پیش نمی‌رود بلکه صفوف خودش را هم نمیتواند به اندازه کافی منسجم و متحد کند. اینطور نیست که کارگران فقط به مسئله استعمار و کارخانه حساس هستند. به همان اندازه کارگر در آن جامعه به سلطه مذهب هم حساس است و می‌خواهد این اختناق و تابوی نکبت مذهب را از سرش کم کند. کارگران، زن و مرد کارگر به تبعیضی که در کل جامعه به زنان میشود حساس هستند و میخواهند این را حل کنند. به اختناق و نبود آزادی برای هرکس طبقه کارگر معترض است و می‌خواهد جامعه آزاد باشد. می‌خواهد نه تنها خودش بلکه همه حق تشکیل داشته باشند. همه حق روزنامه در آوردن داشته باشند. آزادی تحزب را می‌خواهد برای اینکه هم حزب دیگری بتواند در جامعه فعال باشد. این کلید متشکل کردن توده طبقه کارگر هم هست. و این دو جنبه که گفتم یکی جنبه پراکندگی طبقه کارگر که گفتم راه حل آن چیست، باید تشکلهایی به عنوان مستکین و پیشگامان بصورت هیئتهای موسس و کمیته‌ها باید جلو بیفتند و فعالیت کنند. تا مثل يك بلورهایی بقیه را هم حول خودشان جمع کنند. این اتفاق خوشبختانه چندین سال است که افتاده و دارد پیش میرود. جنبه دوم که طبقه کارگر متأسفانه کمتر در آن پا پیش می‌گذرد اعتراض علیه جمهوری اسلامی است در يك بعد اجتماعی و وارد شدن به مسائل سیاسی مردم و به عنوان يك مدعی العموم مردم در مقابل مردم ظاهر شدن. این دو جنبه کلید پیشروی و تقویت جنبش کارگری است.

شهلا دانشفر: اما اجازه بدهید برویم به سطح تاکتیک و به سطح مبارزات همین امروز و مبارزات جاری، در اطلاعاتیه های حزب به اعتصاب سراسری به عنوان يك الگو تاکید شده و خطاب به کارگران فراخوان داده شده که شوراهایشان را تشکیل دهند و به سوی اعتصابات سراسری بروند و اینها همه

گامهای تعیین کننده ای هستند، در این جهت شما چه صحبتی دارید؟

حمید تقوایی: در این جوی که بخصوص بعد از اعتصاب موفق در کردستان بوجود آمده است، این کاملا توازن قوا و شرایط عمومی و فضایی را بوجود می‌آورد که این کار را امکان پذیر و عملی می‌کند. البته شکل گرفتن اعتصاب در هر سطحی مشروط به این است که به اندازه کافی فعالین، کمیته‌ها و جمع‌های کارگری در صنایع ورشته‌های مختلف به این عرصه توجه کنند و راههای آن را پیدا کنند. من نمی‌گویم فوری و يك شبه میشود این کار را کرد. مسلما تدارکات خیلی بیشتری می‌خواهد در قیاس با آنچه در کردستان در عرض تقریبا ۴۸ ساعت اتفاق افتاد. کار بیشتری می‌خواهد ولی در عین حال امروز جنبش کارگری برای دست زدن به اعتصاب در موقعیت بسیار مناسبتری نسبت به قبل از این اعتصاب عمومی در کردستان قرار دارد. اینکه اعتصاب در باقی جاهای ایران هم سراسری باشد هنوز گام بعدی است. اولین چیزی که امکان پذیر است اعتصاب کارگری است با خواسته‌های معینی و بصورت اعتصابات اختطاری، اعتصابات یکروزه، مدت دار و معین. به این شکل امکان پذیر است و حتی میتواند در قدم اول بر سر مسائل کارگری باشد و خیلی روشن است که در متن جنبش انقلابی جاری هر اعتصاب کارگری میتواند کاملا در رابطه با کل جنبش انقلابی مردم علیه جمهوری اسلامی نقش تعیین کننده ای داشته باشد. لزوما نباید هر اعتصاب معینی اعلام کند علیه جمهوری اسلامی است یا يك خواست سیاسی را مطرح کند. برای امکان پذیر بودن در قدم اول برای اینکه در توازن قوا بشود این کار را کرد میتواند مثلا حول دستمزدهای پرداخت نشده، امنیت شغلی و این بیکارسازیهای عظیمی که در حال اتفاق است، که کارگران در این سطوح الان فعال هم هستند و در حل اعتراض هستند، میشود اعتصاب عمومی و یا حداقل اعتصاب در سطح شهری بر سر این مسائل براه انداخت. مسائلی که مبتلا به عموم کارگران است مثل همین اخراجها، یا مثل امنیت شغلی، قراردادهای سفید امضا و موقت، یا برای افزایش دستمزد به سقف ۱ میلیون. اینها همه بالقوه این ظرفیت را دارند که حول آن در بخش وسیعی از

جنبش کارگری يك اعتصاب سراسری و یا حداقل منطقه ای داشته باشیم. شرایط برای این بسیار مساعد است، برای این باید تدارکات دید و حول آن فکر کرد، بخصوص در این جو مساعدی که به وجود آمده است قدمهای عملی در جهت آن برداشت و آن را عملی کرد.

شهلا دانشفر: من در تایید صحبت شما می‌خواستم مثالی بزنم، مثلا جایی مثل شهر صنعتی البرز در اول ماه مه ۸۰۰۰ کارگر که اساسا از کارخانجات مختلفی بودند که بیکارسازی شدند و مساله آنها بیکارسازی و دستمزدهای پرداخت نشده بود جمع شده بودند و الان جلوی شرکتهای مختلف این شهرک صنعتی هر روز اعتراض میکنند و در جلوی شهرک جمع میشوند و مرتب يك صحنه درگیری با نیروهای انتظامی هست و یا مثلا در اراک ما آونگان اراک را داریم، صنایع اراک و آلومینیوم اراک را داریم که اینها هر روز و هر روز در حال اعتراض و مبارزات هستند و مسائل مشترکی دارند یا مثلا در اهواز و یا ذوب آهن اصفهان در پتروشیمی، در جاهایی اینچنینی، در جاهایی که شرکتهای مختلفی هستند و می‌بینید ۲۰ تا ۳۰ هزار کارگر مجتمع‌های بزرگ را در بر میگیرند با مسائل مشترک و اعتراضات هر روزه که خود این بهترین زمینه هست در تایید صحبت شما که خواستم به عنوان يك مثل بگویم.

حمید تقوایی: من هم می‌خواستم بر همین تاکید کنم و از دو جنبه میشود قضیه را دید یکی اینکه جو عمومی که اعتصاب عمومی که در کردستان بوجود آورده است، و دیگری واقعا مسئله حد خود جنبش کارگری که در مثالهایی هم که شما زدید کارگران بسیار فعال هستند در اعتراض به وضعیت آموزش و این دو فاکتور کلا شرایط را مساعد می‌کند برای دست زدن به اعتصاب بعنوان يك اقدام تاکتیکی و کاملا عملی در این شرایط.

شهلا دانشفر: متشکرم حمید تقوایی که وقتتان را در اختیار ما گذاشتید. حمید تقوایی: من هم تشکر می‌کنم. (با تشکر از نازلی صادقی که متن این گفتگو را پیاده و در اختیار کارگر کمونیست گذاشته است)

## اعتراضات پراکنده دیگر جوابگو نیستند!

در حاشیه چند اعتراض کارگری

ناصر اصغری

در یکی دو هفته گذشته باز هم شاهد خبر چند اعتراض کارگری و از جمله خبر اعتراض کارگران کارخانه کیان تایر و اعتراض کارگران صنایع فلزی شماره یک که از رادیو کالیسم خاصی نیز برخوردار بودند، بودیم. منظور یادداشت حاضر پرداختن به جوانب مختلف و نکات ضعف و قوت‌های این اعتصابات نیست. بلکه می‌خواهم این نکته را برجسته کنم که در دوره کنونی جنبش کارگری تنها زمانی می‌تواند مؤثر واقع گردد که قدرتمند و متحد وارد میدان بشود. و این مسئله شامل تک‌تک اعتراضات کارگری به حق و حقوق ظاهرا پیش پا افتاده و "صنفي" هم می‌باشد.

بارها بر این نکته تاکید کرده‌ام که هیچ اعتراض کارگری بدون درجه ای از

سازمان و رهبری اتفاق نمی‌افتد. گاه‌ا اعتصابات را شاهد هستیم که این سازمان و رهبری علنا خود را نشان داده و مهمترین جنبه اعتراض مربوطه هم همین درجه بالای سازمان یافتگی و منسجم بودن آن است. برای نمونه اعتراض ۵ خرداد ماه کارگران کیان تایر، بعد از اینکه کارفرما بخشی از کارگران را تهدید می‌کند، کارگران بخش‌ها و شیفت‌های دیگری نیز به اعتصاب می‌پیوندند و اعلام می‌کنند که فردا مجمع عمومی خود را برگزار خواهند کرد تا درباره چگونگی پیشبرد اعتراض خود تصمیم بگیرند. و یا در اعتراض کارگران صنایع فلزی شماره یک هم از رهبران و نمایندگان کارگران می‌شنوم و اینها کسانی هستند که توسط خود کارگران انتخاب شده و طرف حساب مدیریت و نیروهای انتظامی

هستند. کارگران پیشنهادها و وعده و وعیدهای مدیریت و مقامات دولتی را در تجمع و مجامع خود به بحث و گفتگو می‌گذارند و تصمیم می‌گیرند. بحث این است که این اعتراضاتی که از درجه بالایی از رهبری و سازمان برخوردار است چگونه هنوز نتوانسته اند هماهنگ شوند و یک رهبری منسجم و فرا کارخانه‌ای را از خود بیرون بدهند؟ میدانم که رهبران و فعالین کارگری اگر با این سؤال روبرو شوند، جوابهای مختلفی خواهند داشت؛ از جمله اینکه اقدام به چنین عملی حساسیت نیروهای سرکوبگر را برخواهد انگیزد و دیگر به اعتراض کارگری بعنوان مسئله‌ای فراتر از یک خواست معین "صنفي" نگاه خواهند کرد. اما واقعیت امر این است که اعتراضات پراکنده و منزوی کارگری راحتتر سرکوب می‌شوند. رادیو کالیسم یک اعتراض کارگری به کارگران یک مرکز کارگری محدود می‌ماند. جامعه ای که حاضر است به اعتراض بزرگ و

## کارگر متحد، رهبر جنبش جاری

نکته مهمتر این است که اکنون جنبش سرنوشت سازی در جریان است و می‌رود که جمهوری اسلامی را سرنگون کند. جامعه از هر طیف و قشری چشمش به جنبش کارگری است. چشمش به رهبران کارگری است که چند قدم جلو آمده‌اند؟! کدام اول ماه مه در طی ۳۰ سال گذشته این چنین جامعه را به جنب و جوش انداخته بود؟ در حول و حوش اول ماه مه امسال از چپ و راست جامعه درباره کارگر، مطالبات کارگری، نقش کارگران و جنبش کارگری در اعتراضات جاری بحث کردند. هیچ اعتراضی در این جامعه بدون فراخوان به اینکه طبقه کارگر بیاید و رهبری این

اعتراضات را بدست بگیرد، به پایان نمی‌رسد. در این بین يك جنبش کارگری ضعیف و با اعتراضات پراکنده، فقط ناتوانی خود را به این اقبال و اعتراضات اعلام می‌کند و ابدا سازنده نیست! و واقعیت این است که از اول مه ۸۸ تا امروز جنبش کارگری گامهای بلندی برداشته و اکنون نوبت فراتر رفتن از این موقعیت هم فرا رسیده است. اکنون نوبت این است که کارگران و رهبران مرتبط کارگری در آن واحد کارگران چند مرکز کارگری را هماهنگ به اعتراض مثلا در جلوی وزارت کار و یا جلوی دفتر ریاست جمهوری فرا بخوانند. و این نه تنها امکان پرداخت دستمزدهای معوقه را فراهم خواهد کرد، بلکه روز بعد شعار "رهبران کارگری، رهبران انقلاب جاری" را در خیابان و در اعتراضات میلیونی توده ای خواهیم شنید. پیش بسوی اعتراضات کارگری منسجم و متحد! ۲۷ مه ۲۰۱۰

## جنبش کارگری و ...

از صفحه ۴

بوده است که کارگران لوله سازی اهواز دیگر کارگر خاموش نبوده‌اند. اعتراض شان در جامعه بشدت مطرح است و گر نه رسانه‌هایی مانند خبرگزاری مهر از سر خبرخواهی و عاقبت به خیری در آن دنیا به سراغ این سوژه‌ها نخواهند رفت. خبرگزاری مهر اینگونه گزارش را شروع میکند: "قصد گلایه و نگرانی کارگران حقوق نگرفته از شرکت لوله سازی خوزستان برای هر شهروند اهوازی آنقدر عادی شده که بی تفاوت از کنار آن می‌گذرند ولی قدیمی شدن موضوع باعث ناامیدی این کارگران نشده و آنان همچنان امیدوار به استیفای حقوق خود هستند. درد و رنج و مبارزه کارگران را به گلایه و نگرانی تبدیل کردن و اینگونه قلمداد کردن که يك موضوع پیش پا افتاده برای مردم اهواز تبدیل شده است از همان قماش است که اشاره کردم. اما آشکارا آنچه را که موجب انتشار گزارش شده است همان جمله آخر است که کارگران هنوز امیدوارانه به مبارزه خود ادامه میدهند. در بطن گزارش متوجه میشوم که مبارزه کارگران لوله سازی موضوع نه تنها شهر اهواز بلکه کل خوزستان است. این را نماینده مجلس اعتراف میکند و همانگونه که اشاره شد اساسا اگر موضوع کارگری در جامعه منعکس نشده باشد ایشان لام تا کام درباره آن حرف نمی‌زنند که همه را خیردار کنند؛ بلکه مساله اینست که

گرفته است. و همین نماینده در مقابل سالها پرداخت نکردن حقوق کارگران که خود یکی از جنایت‌بارترین کارهای ممکن است سکوت کرده بود. اکنون نیز که صدایش در آمده به این دلیل است که کارگران لوله سازی اهواز سر کوتاه آمدن ندارند. فقر و گرسنگی و بی خانمانی و دست دراز کردن پیش این و آن اینها هیچکدام چهره خوزستان را ناخوشایند نمیکند اما همینکه کارگر به خیابان می‌آید و حقوق خود را مطالبه میکند فغان ایشان بلند میشود که این کارها درست نیست و مورد سواستفاده قرار میگیرد. نماینده مجلس اسلام اعتراف میکند در جریان آنچه که خصوصی سازی می‌ماند دزدیهای کلانی صورت گرفته است او می‌گوید: "ولی يك مشکل در راه اندازی فاز دوم این کارخانه وجود دارد و آن هم این است که متاسفانه وام ساخت فاز دوم این کارخانه چند سال پیش توسط بخش خصوصی دریافت شده ولی در جای خود هزینه نشده است ولی اکنون این موضوع یکی از موانع راه اندازی خط دوم تولید است." وام دریافت شده در جای دیگر هزینه شده بیان بسیار محترمانه دزدی است. بی شک بدانید که خود ایشان هم میدانند که در کجا هزینه شده است در حسابهای بانکی افرادی مثل ایشان و به جرات مدعی میشوم مشخصا خود ایشان است. چون اگر اینگونه نبود بیان میکرد که موضوع را "تحت پیگیری قضایی" قرار میدهد.

اینها اما هیچکدام چهره ناخوشایندی به جامعه از دید ایشان نمی‌دهد. ایشان می‌گویند در طی مدتی که دولت از خودش سلب مالکیت کرد و به بخش خصوصی واگذار شد تا حالا چندین بار "مالکیت" این کارخانه دست به دست چرخیده است. کاملا مشخص است که پروژه خصوصی سازی يك پروژه غارت گری تمام عیار است لازم نیست که زیاد پیرامون آن در این نوشته بگویم کافی است اعترافات شخصی به نام پالیس‌دار را یادآور شوم که پته بسیاری از بزرگان قوم را روی آب ریخت که چگونه ثروت مردم را بالا میکشند و کارخانه‌ها معادن را تحت نام خصوصی سازی به این و آن هدیه میدهند.

مالکیت کارخانه چندین بار عوض شده است اما يك چیز پابرجا مانده است و آنها همه مالکین دستمزد کارگر را بالا کشیده‌اند. این پروژه غارت گری در کل جامعه در جریان است. پروژه ای است که خود دولت اسلام سازمان میدهد تمام دستگاههای امنیتی نیز برای تضمین همین چپاول سازمان داده شده است اما با وجود این نهادهای جنایتکار کارگران لوله سازی و بسیاری از کارخانجات دیگر در چند ساله گذشته يك آن ساکت نبوده‌اند. در این مورد بخصوص کارگران در اقدامی مفید اعتراض شان را از محدوده کارخانه به سطح شهر اهواز کشاندند و همین‌ها موجبات وحشت نماینده مزبور و خبرگزاری فوق را به دنبال داشت. در این

خبر بارها بر ناامید نشدن کارگران، بر تداوم مبارزات کارگران تاکید شده است اینها فی الواقع دارند اعتراف میکنند دیگر قادر نیستند کارگر را خاموش نگه دارند و نگران هستند که کارگران جامعه را به دنبال خود بکشاند. بخصوص اینکه این مبارزات در دل يك انقلاب دارد صورت میگیرد. وجهی دیگر از همین انقلاب است. ما سال گذشته شاهد بودیم که کارگران لوله سازی رسماً فراخوان دادند تا مردم در تظاهرات شرکت کنند و اینهاست که ایشان را از این "امیدواری کارگران" نگران ساخته است. نکته مهم اما اینجاست که این مبارزات نباید به سطح شهر اهواز محدود بماند همانگونه که مبارزات کارگران هفت تپه اختصاصی يك شهر نیست. اعتصاب در کردستان باید به مبارزات کارگران لوله سازی پیوند بخورد، مبارزات کارگران کیان تایر باید در پیوند با کارگران لوله سازی اهواز قرار گیرد. مسئله کارگران شرکت واحد ذوب آهن اصفهان و پتروشیمی اینها هیچکدام اختصاصی يك کارخانه و یا يك شهر نباید باشد. وحشت خبرگزاری و نماینده مزبور از همین است که اینها به هم متصل شود آنوقت است که همه خبرگزاریهای جهان باید هر کاری دیگر دست دارند زمین بگذارند و خبر منتشر کنند که کارگران متحدانه دارند می‌آیند.\*

## کارگران لوله سازی خوزستان و هراس رژیم



شهلا دانشفر

خبرگزاری مهر در گزارشی از قول نماینده مجلس اسلامی از اهواز می‌نویسد: "مشکل کارگران حل می‌شود، اخبار خوش در راه است". بعد با کمی مکث بر روزی این گزارش ابعاد وحشت رژیم از مبارزات کارگران لوله سازی خوزستان و جایگاه اعتراضات آنان در میان مردم شهر اهواز را به خوبی می‌توان دید. با هم این گزارش را دنبال می‌کنیم. این گزارش ابتدا به سخنان شریف حسینی نماینده مجلس اسلامی اهواز اشاره دارد که می‌گوید: "مالکیت شرکت لوله سازی اهواز آنقدر دست به دست شد که وضعیت تولید آن به هم ریخت و روزی رسید که شرکت حتی توان پرداخت حقوق کارگران را نداشت". سپس گزارش وارد بحث دعوای مالکیت کارخانه و جدال بر سر بازگرداندن این کارخانه به دولت که ظاهراً حسینی نیز یکسوی این کشاکش بوده است، می‌شود. با خواندن گزارش متوجه می‌شویم که در لوله سازی خوزستان نیز همانند بسیاری از مراکز کارگری دیگر دعوا بر سر بالاکشیدن کارخانه و سرکبیسه کارگران است و این وسط کارگران بین دولت و مالکین خصوصی پاسکاری میشوند و دستمزدهایشان را بالا کشیده‌اند. قضیه از این قرار است که مدیریت کارخانه برای اینکه شر مدعیان برگرداندن کارخانه به دولت را کم کند، با قول آرام کردن اعتراضات کارگران توانسته است، وامهای کلان صد میلیاردی و ۵۰ میلیاردی بگیرد تا بلکه از محل آن مزد عقب مانده کارگران پرداخت شود. و بعد زیر فشار اعتراضات کارگران بخشی از مطالبات کارگران پرداخت شده و دوباره آش همان کاسه همان و باز سر کارگران بی کلاه مانده است. در میان این دعوا بر ملا می‌شود که مدیریت کارخانه به جای تحقق وعده ۱۰۰ میلیارد ریالی تنها ۲۵ میلیارد هزینه طلب کارگران کرده است و باقی پول را بالا کشیده است. حالا جناب نماینده مجلس دارد خوش خبری میدهد که گویا قرار است به زودی جلسه ای با وزیر

صنایع برگزار شود که مجدداً کارخانه به وزارت صنایع واگذار شود و این همه اخبار خوشی است که گزارش به آن اشاره دارد. اما همین جاست که جناب نماینده مجلس با هراس تمام می‌گوید: اما اعتراضات مداوم کارگران لوله سازی هم یکی از مواردی است که بارها شهر اهواز را به مشکل مواجه کرده است و این وضعیت باید به نوعی پایان یابد زیرا ادامه این وضعیت بی شک برای خوزستان و صنایع آن چهره خوشایندی ندارد.

اینجا به روشنی اشاره حسینی به اعتراضات پی در پی کارگران لوله سازی خوزستان است که کل شهر را به تحرك در آورده است. اشاره او به راهپیمایی با شکوه این کارگران در شهر اهواز است که در بحبوحه روزهای انقلاب با حمایت وسیع مردم پاسخ گرفت و اعتراض کارگران به شعار مرگ بر دیکتاتور، زندگی انسانی حق مسلم ماست ختم شد. مبارزاتی که بطور واقعی در مقابل کل کارگران راه گذاشت. و بقول جناب آقای حسینی چهره شهر اهواز را عوض کرده است. زنده باد کارگران لوله سازی خوزستان.

در ادامه این سخنان و در تداوم مبارزات کارگران لوله سازی خوزستان است که عقب نشینی‌ها شروع میشود و حسینی در مورد اعتراضات روزهای اخیر این کارگران می‌گوید: "۱۵۰ نفر از این کارگران به سن بازنشستگی رسیده‌اند و خوشبختانه موفق شدیم مشکل آنها را حل کنیم. مورد دوم ادامه اعتراضات این قشر زحمتکش به علت پرداخت نشدن حق بیمه آنها و محرومیت آنها از داشتن دفترچه و خدمات درمانی بود که فشار مضاعفی بر آنها و خانواده‌هایشان وارد می‌کرد که خوشبختانه این موضوع نیز حل شده است. و بر لزوم راه اندازی فاز دوم این کارخانه تاکید کرده و می‌گوید: "اکنون محصولات تولیدی این کارخانه که به شدت مورد نیاز وزارت نیرو است تنها در این کارخانه و تهران تولید می‌شود، بنابراین ادامه حیات این واحد

صنعتی برای خوزستان و کشور حیاتی است.

با این سخنان مکان کارگران لوله سازی خوزستان و قدرت اعتصابشان در به حرکت در آوردن شهر اهواز و تاثیر بر دیگر بخش های کارگری و در فلج کردن بخشی از اقتصاد این دولت میبینیم.

نکته مهم اینست که این استان، تنها داستان لوله سازی خوزستان نیست. این داستان همه کارگران و محیط کارگری است. دستمزدهای پرداخت نشده به امری عادی و سراسری تبدیل شده است. به راحتی کارگران را از کار بیکار کرده و دستمزدها را به سرقت میبرند. کارگران لوله سازی خوزستان با مبارزات پی در پی خود، همانطور که جناب حسینی نیز اشاره دارد، چهره شهر اهواز را عوض کرده‌اند.

میتوان باید در تمام شهرها همین کار را کرد. باید کارگران با همراهی خانواده‌هایشان در هر شهر، کل شهر را به حمایت و پشتیبانی از مبارزات خود بکشانند. باید کارخانجات مختلف در هر شهر در هماهنگی با هم به تدارک اعتصابات سراسری و همزمان بروند و بیشترین نیروی اجتماعی را به حمایت از مبارزات خود بکشانند. این تنها راهیست که میتوان دستمزدهای معوقه را نقد کرد. این تنها راهیست که میتوان علیه دستمزدهای ۳۰۰ هزار تومانی زیر خط فقر ایستاد و خواست حداقل دستمزد یک میلیون تومان در گام اول را بعنوان خواست فوری همین امروز در برابر این جانپان گذاشت. این تنها راهی است که میتوان جلوی این زورگیری‌ها و تعرضات هر روزه شان به کل جامعه ایستاد و اعدام‌ها را متوقف کرد. این تنها راهیست که جلوی تهدید و فشار بر روی رهبران کارگران و در همه عرصه های اجتماعی را گرفت و با گذاشتن رژیم زیر فشار مبارزات سراسری خود

## کریم مهرپرور - ایران

اعتصاب عمومی در کردستان ایران، پیروزی تاکتیکی دیگری از کمونیست های ایران در مبارزات حق طلبانه و آزادیخواهانه مردم و بخصوص مردم شجاع کردستان، بر علیه حکومت رعب، ترس و وحشت جمهوری اسلامی بود.

حرکت پرشور، پرافتخار، قدرتمند، آزادیخواهانه و سرنگونی طلبانه مردم کردستان باعث شد تا که رژیم ددمنش جمهوری اسلامی دریابد با سرکوب، دستگیری، شکنجه و اعدام نمی تواند سدی باشد در برابر پیشروی حرکات انقلابی مردم ایران. مردم کردستان با عکس العمل اعتصاب عمومی، ثابت کردند که مثل همیشه پیشتاز مبارزات مردم هستند. اعتصاب عمومی مردم کردستان اعتراضی بود در برابر اعدام پنج تن از فعالین سیاسی، که نمونه ای از هزاران اعدام از فعال سیاسی طی سالها حاکمیت سیاه جمهوری اسلامی بود. نمونه ای از زندان، شکنجه و سرکوب انسانها بخاطر عقایدشان، انسانهایی که هم اکنون تعداد بسیاریشان در بازداشت و زندانهای مخوف اسلامی و در زیر شکنجه های قرون وسطایی آن بسر می برند. این افراد شجاع و آزادیخواه، این ۵ نفر، جان خود را از دست دادند تا راه دنیای بهتری را برای انسانها رقم بزنند. آنان همچون مردم انقلابی در پی دستیابی به یک دنیای انسانی بودند، آرمانی که در راه آن زندان‌ها، شکنجه‌ها و اعدام‌ها را بجان خریدند. هدف والای آنان بطور واقعی تحقق آزادی،

درب زندانها را گشود. شاهرگهای اقتصادی حکومت بطور واقعی دست کارگران است، باید با اعتصابات سراسری خود آخرین نفس های این حکومت را گرفت.

نگاهی به گزارش خبرگزاری مهر از اهواز قدرت ما کارگران را نشان میدهد. لب سخنان حسینی

## اعتصاب عمومی: ابزار دیگری برای مبارزه!

برابری و یک دنیای انسانی بود و این را بطور مشخص در نامه های فرزاد کمانگر که در آن انسانیت موج میزد میتوان دید. اعتصاب عمومی در کردستان را باید در چهار چوب مبارزات انقلابی مردم ایران نگاه کرد. اعتراضی که بطور واقعی سرنگونی جمهوری اسلامی و دستیابی به حکومتی انسانی را فریاد زد.

اعتصاب عمومی مردم در کردستان گام مهمی در پیشروی انقلاب ما بود و پاسخی بود به فراخوانی که اساساً از سوی احزاب چپ داده شده بود. پاسخی شورانگیز که بار دیگر نشان داد که کردستان چگونه در مبارزه ای انقلابی و پیگیر، به جلو آمده و با آرمانهای کارگری و کمونیستی به چیزی جز سرنگونی این حکومت و جامعه ای انسانی رضایت نمیدهد. اعتصابی که خواستهای چپ و رادیکال در جامعه، آزادی، برابری و خواست انسانی نه به اعدام‌ها را فریاد زد.

فراوش نمی کنیم همه انسانهای آزادیخواهی که در طول تاریخ، و در حاکمیت سیاه و جنایت کار رژیم جمهوری اسلامی جان خود را از دست دادند، آزادی و برابری انسانها را والاترین آرمان برای انسان می دانستند و امروز بر همه کس روشن است که انقلاب تمام و کمال در ایران با سرنگونی حاکمیت دیکتاتوری اسلامی و برقراری حاکمیت انسانی امکانپذیر است. اعتصاب عمومی مردم در کردستان با قدرت تمام بر همین خواست تاکید گذاشت.

نماینده مجلس در اهواز نیز همین است، باید به قدرتمان اتکا کنیم و با تمام نیرو به جلو گام برداریم. باید جلوی صحنه سیاسی جامعه آمد. امروز این کارگرانند که میتوانند با نیروی قدرتمند خود پرچمدار کل خواستهای جامعه باشند. باید برای آن گام برداشت.

## یک دنیای بهتر

برنامه حزب کمونیست کارگری را بخوانید

# جمهوری سوسیالیستی، جمهوری انسانی است!

## چرا راه حل‌های سرمایه دارانه...

از صفحه ۱

طرفداران دور و نزدیک موسوی در حول و حوش اول ماه مه امسال نشانی از موقعیت کارگر، نه بعنوان کارگر منفرد و صنف کارگر، بلکه بعنوان جنبش کارگری که از لحاظ سیاسی نمایندگی می‌شود و در مرکز ثقل سیاست ایران حرفش گوش شنوا دارد، آشکارا بیانگر این بود که چپ و مطالبات آزادیخواهانه چپ در جامعه گام‌های بلندی به جلو برداشته است. نمایندگان سیاسی بورژوازی در ایران و در متن این تغییر و تحولات باید حد و مرزی برای انتظارات کارگران می‌کشیدند. این تغییر و تحولات را گرچه تعدادی ساده لوح اعتراضاتی همه با هم خواندند، اما کسانی که از بطن مسائل باخبر بودند و بروز رادیکالیسم این اعتراضات را پیش بینی و روز بروز مشاهده می‌کردند، ابتدا این توهم را نداشتند و می‌دانستند که این جامعه با تمام محدودیت‌هایی که جمهوری اسلامی بر سر راه مردم ایجاد کرده است، بشدت تحزب یافته است. و معنی این تحزب یافتگی هم گرچه هنوز به معنی تعداد اعضا، علنی احزاب سیاسی نیست؛ اما نشان میدهد که کدام احزاب سخنگوی سیاسی کدام طبقات می‌باشند. کدام احزاب نماینده آمال و امیال کدام بخش از جامعه و کدام طبقه و جنبش در جامعه هستند. بی‌دلیل نیست که نمایندگان رنگارنگ و تا چندی پیش ظاهراً متفاوت سیستم سرمایه داری به ناگهان دور موسوی حلقه زده و بر علیه اعتراضات رادیکال مردم متحد شدند! چرا که طرف مقابل متحد و مصممی را دیده اند که اینبار کلاه امثال بی بی سی سرشان نخواهد رفت.

## کارگر انتظار بیهوده نداشته باشد!

با این مقدمه اجازه بدهید که مشخصاً نظرات یکی از طرفداران موسوی، که چه خوابی برای کارگران دیده است را مورد نقد و بررسی قرار دهیم. مجید محمدی یکی از مفسرین "جامعه شناس" رادیو فردا است. او در مطلبی تحت عنوان "تشکل‌های کارگری غیر خودی

بعدی ایشان که "تشکل مستقل کارگری" است نیز می‌پردازم؛ اما همین یک رقم اظهارنظر از جانب ایشان کارگر را باید به اندازه کافی از خواب و خیال اینها مطلع، نگران و هوشیار کرده باشد. کسی که فکر می‌کند کارگر باید بیاید و سیاهی لشکر ایشان بشود، شعور کارگر سال ۲۰۱۰ ایران را دستکم گرفته است.

## تشکل کارگری مجید محمدی

مجید محمدی می‌گوید: "مهم ترین محرومیت کارگران ایرانی محرومیت آنها از داشتن تشکل‌های مستقل است." و کمی پایین تر: "اما تفاوت رژیم‌های دمکراتیک و اقتدارگرا آنجاست که در رژیم‌های دمکراتیک بواسطه‌ی نقش میانی دولت، کارگران می‌توانند متشکل شده و صدای خود را به گوش دیگران برسانند یا در مقاطعی با اعتصاب یا دیگر انواع اعتراض بخشی از حقوق خود را کسب کنند اما کارگران در رژیم‌های اقتدارگرا از چنین ابزار و صدایی محرومند." ژئوپولیتیک ایران را فعلاً کنار بگذاریم؛ مگر تشکل کارگری چانه زن بر سر حدود و شعور دستمزد و ساعات کار، که شرایط مطرح شده از جانب مجید محمدی را فرض گرفته است، نتوانسته است کارگر را از وضعیت وحشتناک امروزه در آمریکا و اروپا و ژاپن نجات دهد؟ مگر نتوانسته از تاخت و تاز بورژوازی جلوگیری کند؟ پلاتفرم سیاسی چنین تشکل‌هایی که توسط احزاب سوسیال دمکرات پراتیک می‌شود در انگلیس، در کشورهای اسکاندیناوی و یونان و در ژاپن در حاکمیت هستند و خود شرایط ریاضت اقتصادی و سیاسی را هموار کرده و به پیش می‌برند! قصد تخطئه دستاوردهای کارگران در غرب نیست که با مبارزات خود عقب نشینی‌هایی را به سرمایه داری تحمیل کرده اند. اما اگر کسی جامعه‌ای بخواهد که شرایط کار کارگران آن مثل ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی، منهای زیاده روی‌های احمدی نژاد باشد؛ تشکلی را هم به کارگران قول می‌دهد که کمی بهتر از شوراهای اسلامی کار باشند. چیزی مثل اتحادیه‌های کارگری آمریکا. اگر بورژوازی ایران همین را هم بطور جدی می‌خواست و

برایش تلاش میکرد بالاخره در این شرایط جهنم سرمایه داری در ایران حرفی قابل تامل زده بود. اما اینها وقتی رادیکالیسم کارگران و کل جامعه را می‌بینند اینگونه نیست که بر سر اینها می‌ایستند. به همان جمهوری اسلامی نوع احمدی نژادی پناه می‌برند. همان حراست و شوره‌های اسلامی را به جان کارگران می‌اندازند. بپرو تا آنجا که بحث تشکل مربوط میشود حرف هر کارگر آگاهی اینست که تشکل کارگری امر خود کارگران است و باید توسط خود کارگران، بدون دست درازی دولت و دیگر نمایندگان بورژوازی تشکیل شوند. اگر کسی مثل مجید محمدی که خواهان تداوم سرمایه داری است، حال در هر شکل و شمایل، اگر این شخص به کارگران گفت که تشکل خود را درست کنید و بر سر دستمزد و غیره با کارفرما و غیره چانه بزنید و پایتان را از این دراز تر نکنید، در امر تشکل کارگری دخالت کرده است! کارگر تشکل خود را درست می‌کند و بر حسب الزامات زمانه و توازن قوا با آن و توسط قدرت آن وارد چانه زنی با کارفرما می‌شود؛ به دفاع از حق و حقوقی در جامعه بر می‌خیزد؛ و با قدرت آن وارد انقلاب می‌شود. "تشکل مستقل کارگری" صرفاً این نیست که دولتی نباشد؛ بلکه این است که از هرگونه دست اندازی و دست درازی بورژوازی و مرز کشیدن‌ها و محدودیت‌هایش مصون باشد. اگر کسی میخواهد یک ذره به تشکل مستقل کارگری اشاره کند باید بگوید کارگران تشکل خود را با تشخیص خود و بر اساس مصالح خود تشکیل میدهند. نه اینکه اگر در حد چانه زنی ماندند قابل قبول است و اگر نمانند و چیزهای بیشتری خواستند دیگر تشکل مستقل کارگری نیستند.

## جایگاه دولت بعنوان کارفرما نزد

## مجید محمدی

مجید محمدی به درست می‌گوید که دولت در ایران بزرگترین کارفرما است؛ اما از این حکم درست نتیجه‌ای وارونه می‌گیرد. می‌گوید: "علت موثر واقع شدن دولت در دخالت در تشکل‌های کارگری آن است که دولت در ایران بزرگترین کارفرماست. دولت در ایران در میان کارفرما و کارگر به عنوان واسطه و ناظر و داوری

بی طرف و دارای اصول مشخص و نماینده‌ی مردم نمی‌ایستد بلکه دولت خود کارفرماست و هر جا با اعتراض مواجه شود از قوای قهری خود برای سرکوب و خاموش کردن اعتراضات بهره می‌گیرد. کارخانه‌های ایران یا مستقیماً توسط حکومت (بنیادها و آستان‌های قدس تحت نظر رهبری) دولت (شرکت‌های دولتی) اداره می‌شوند یا در اختیار شبه دولتی‌ها قرار دارند که به طور غیر مستقیم تحت نظر افراد نزدیک به حاکمیت (عمدتاً نهادهای نظامی، انتظامی و امنیتی) هستند. در چنین شرایطی امکان رشد و بارور شدن تشکل‌های مستقل کارگری بسیار اندک است." تصویر مجید محمدی از دولت جمهوری اسلامی بعنوان بزرگترین کارفرما و ارتش و قوای قهریه، یک تصویر خانمانی است که ارباب هر از چندگاهی نیروهای مسلح خود را سراغ دهقانان یاغی می‌فرستد؛ که تا حدودی درست است. اما واقعیت امر این است که سیستم سرمایه داری در کشورهایی مثل ایران و راستش امروز در قریب به اتفاق کشورهای جهان چاره‌ای جز اتکاء به زور اسلحه و ارتش ندارد. هر حکومتی که در ایران بر سر کار بیاید و اصل را بر حفظ نظام سرمایه داری و استثمار کارگران و ریاضت اقتصادی بگذارد، مجبور است که چنین برخوردی با اعتراضات بکند.

اجازه بدهید با یک سؤال ساده این موضوع را پیگیری کنیم. مجید محمدی می‌گوید: "مشکلاتی مثل بیکاری، ...، تحمیل قراردادهای موقت، نبود امنیت شغلی، غیرمنطقی بودن حداقل دستمزد‌های تعیین شده توسط دولت، تعطیلی ... کارخانه‌ها و کارگاه‌ها، ...، عدم پرداخت دستمزد مساوی برای کار یکسان به مردان و زنان، و عدم ارائه‌ی بیمه‌ی بهداشت و درمان توسط کارفرمایان کم و بیش در بسیاری از نقاط دنیا وجود دارد." آیا مجید محمدی می‌تواند جانی را برای مخاطبش مثال بزند و یا با وجود چنین شرایطی موقعیتی را برای ما توضیح بدهد که کارگر اعتراض نکند؟! اگر کارگر اعتراض کرد، دولت بی طرف وارد میدان می‌شود و به نفع

## چرا راه حل‌های سرمایه دارانه ...

از صفحه ۷

کسی که به ایشان ظلم شده، حکم صادر می‌کند؟! آیا ایشان واقعا نمونه ای را سراغ دارد که با چنین شرایط کاری و با فرض اعتراض کارگران، دولت (حال نه از همان ابتدا بلکه در "مقاطع حساس" ارتش و پلیس و دادگاه‌هایش) را سراغ کارگران نفرستاده باشد؟! آیا ایشان واقعا می‌تواند یک نمونه، فقط یک نمونه خشک و خالی، نشان مخاطبینش بدهد که دولتی بی طرف صاحب کارخانه ای را زندان کرده باشد و نه کارگر معترضی را؟! آخر انسان وقتی مطالبی می‌نویسد اول باید به این فکر کند که احتمالا دو نفر هم آن را بخوانند. این چه مرض مزمنی است که در بین تعدادی طرفدار ریاضت اقتصادی مکتب شیکاگو این چنین رایج شده که شعور مردمی را دستکم گرفته اند که به پا خاسته و مصمم است به این بندگی پایان بدهد؟

فرض مجید محمدی این است که گویا دولت در یکسری جاهائی در این کره خاکی نیرو و داوری بی طرف است. او تصویری را که می‌کشد این است که گویا دولت فقط در ایران دولت سرمایه داران است و ارتش و بسیج ایران، بعنوان نیروهای حافظ کارخانجات این کارخانه داران وارد میدان می‌شوند. پس معلوم نیست چرا در یونان ارتش و پلیس را به جان مردم می‌اندازند و ظاهرا دولت کارفرما نیست و داور بی طرف هم هست. معلوم نیست چرا در انگلیس مارگارت تاچر و آمریکای ریگان چنین پلیس مخفی و علنی و ارتش را به جان کارگران اعتصابی انداختند؟! معلوم نیست چرا ساواک و ارتش شاهنشاهی سراغ هر اعتصاب کارگری می‌رفتند؟! در فرض مجید محمدی ارتش و پلیس و دیگر نیروهای انتظامی و سرکوبگر، برای حفظ امنیت جامعه و نیروها و داورین بی طرف هستند. در واقع نزد کارگری که امروز در یونان و ترکیه بدنش با ضربات باتوم پلیس کبود شده است، نیروی انتظامی برای حفاظت از امنیت سرمایه است که ضرورت پیدا کرده است و شلاق و باتوم می‌زند. در جامعه سرمایه داری، دولت دولت سرمایه داران است، چه این سرمایه داران خود مستقیما در پارلمان و سنا و لویی جرگه باشند و چه در کشورهای

دیگر در ویلاهای خود خوشگذرانی بکنند! یعنی این فرض که دولت نماینده مردم است، باید پرسید کدام مردم؟ مگر مردم در جامعه و سیستم سرمایه داری منافع مشترکی دارند که ما خبر نداشتیم؟ دولت نماینده بخش اقلیت مفتخور مردم، به نام سرمایه داران است که شیره از جان اکثریت بقیه مردم می‌کشد. برای آن اقلیت زندان می‌کند، قانون وضع می‌کند و لازم باشد در روز روشن جلو چشمان متعجب همه ما، کارگر را با تمام قساوت به گلوله هم می‌بندد.

فرض دیگری را که مجید محمدی در نقل قول بالا می‌خواهد جا بیاندازد این است که اگر در ایران تحت حاکمیت تزه‌های ایشان کارخانجات و مؤسسات خصوصی شوند، دولت در امر تشکل‌های کارگری دخالت نمی‌کند! دولت نزد ایشان چیزی عجیب و غریب است که با دول سرمایه داری امروز کوچکترین قربانی ندارند. شوراهای اسلامی کار را رفسنجانی و بهشتی می‌سازند و احمدی نژاد هم بسیج کارخانجات را. اما ایشان این را متوجه نمی‌شود که نهادهای امروزی که جلوی رادیکالیزه شدن کارگران را می‌گیرند و عقیم کردن مبارزات کارگران از رسالتشان است با هزار و یک دست مرئی و نامرئی نهادهای کارگری می‌سازند و دست رادیکالها را از آنها کوتاه می‌کنند. آنچه را که مجید محمدی بعنوان فرض خود بیان می‌کند، اگر دروغ شاخدار نباشد، حداقل از بی خبری وی از سیاست در سطحی فراتر از کتب درسی است. نمونه آمریکا بارزترین این است که هیچ شرکت دولتی وجود ندارد، اما متشکل شدن کارگران تقریبا غیرممکن است. دلیلش هم این است که قانونگذاران این مملکت روابط تحت سلطه ماندن کارگران را روزانه محکمتر می‌کنند. وقتی که نابرابری فرض است، وقتی که روابط سرمایه داری فرض است، وضع کردن قوانین به نفع سرمایه داری اصل است.

اگر دولتها فراطیقاتی و داورینی بی طرف اند که شکایات بین کارگران و کارفرماها را رسیدگی می‌کنند، معلوم نیست چرا بخش عظیمی از کارگران هنوز حتی در همین تشکلهای عقیم کارگری در کشورهای

غربی که ظاهرا برای متشکل شدن کسی را مثل اسانلو و علی نجاتی زندان نمی‌کنند، متشکل نمی‌شوند؟

## "فیزیوکراسی" ۲۰۱۰ ایرانی

راهی را که مجید محمدی انتخاب کرده و برایش تئوری می‌بافد، راهی است که به درد کارگر نمی‌خورد. کارگران و مردم فقیر مجبورند در مقابل حکومت مورد نظر مجید محمدی بایستند. این ایستادن چه خود را بصورت یک انقلاب بروز بدهند، چه بصورت یک شورش کور و ماشین شکن، بالاخره نشان از آن است که ریاضت اقتصادی را نمی‌شود برای دوره ای طولانی بر جامعه تحمیل کرد. عکس العمل طبیعی انسان در برابر فشار، واکنش است. نه تنها مجید محمدی، بلکه هر کسی که چشمش به راه حل سرمایه داری در ایران دوخته باشد، نگاهش به بانک جهانی پول و سیاست‌های ریاضت اقتصادی میلتن فریدمن و مکتب شیکاگو است. هم اکنون واکنش‌هایی به این سیاست‌ها در سطحی وسیعی در نقاط مختلف جهان بروز یافته اند. در واقع این سیاستها به بن بست رسیده و شکست خورده اند. انقلاب ایران هم نمی‌تواند در امتداد خود و با جوار کردن احمدی نژاد از سر راه، به سیاست‌های ریاضت اقتصادی دیگری تن بدهد. اسم این سوتیتر را "فیزیوکراسی" گذاشته ام، اما قصدم ابا نمی‌تواند مقایسه بین میلتن فریدمن های ایرانی با فیزیوکرات‌های فرانسه قرن هیجدهم میلادی باشد؛ به همین دلیل آن را عمدا در گیومه گذاشته‌ام. فرق بین فیزیوکراسی و مکتب شیکاگو عظیم است که به این موضوع نیست. اما اجازه بدهید کمی (فوق العاده موجز) درباره فیزیوکرات‌ها بگوئیم و خواب و خیال‌های پوچ میلتن فریدمن های ایرانی را بر ملا کنیم.

فیزیوکرات‌ها اولین اقتصاددانان سیاسی بودند. اتفاقا اولین کسانی بودند که به خودشان گفتند "اقتصاددان". مکتبی سیاسی در فرانسه در قرن هیجدهم که بر این باور بود ثروت ملل حاصل کشاورزی است. نکته دیگری که فیزیوکرات‌ها را در فرانسه آن دوران و بعدها در رابطه با آدام اسمیت مهم کرد، تاکید این مکتب بر تجارت آزاد بود. فیزیوکرات‌ها بر این باور بودند که

برای پیشرفت جامعه فرانسه قرن هیجده، احتیاج به یک شاه قدرتمند هست که با فرامینش در اقتصاد بر مبنای تزه‌های آنها دخالت شود. مارکس درباره فیزیوکراسی می‌گوید که گرچه ظاهری فنودالی دارد، اما شدیداً و عمیقاً بورژوازی است. این ظاهر به آن دلیل فنودالی است که چشمشان به قدرت شاهان مطلقه دوران فنودالیته بود.

اما آنچه که فیزیوکرات‌ها را در نقد مجید محمدی برای من مهم می‌کند، چیز دیگری است. در فرانسه دوران فیزیوکرات‌ها، دست دولت استبداد مطلقه در جیب مردم برای خرج و مخارج جنگ‌های فرانسه و حتی قمارها و عیش و عیاشی ماری آنوت بود. مردم آن دوره فرانسه به سه بخش (شاید طبقه) تقسیم شده بودند. نجا و اشراف، کلیسا و طبقه سوم. این طبقه سوم، جز بورژواها و با طبقه متوسط، دارای دارائی آنچنانی نبود. دستورات شاهان فرانسه برای بالا بردن مالیات و باج و خراج باید از مجلس رأی لازم را می‌گرفتند. در مجلس آن دوره هم فقط نمایندگان اشراف و کلیسا حضور داشتند. با کش و قوس‌هایی بالاخره مجلس مالیات‌ها را بالا می‌برد؛ اما با چنین وضعیتی دو قشر اصلی صاحب زمین چنان رغبتی به کشاورزی و دردهای آن نداشتند. طبقه عوام (طبقه سوم) را علی‌العموم سرفها تشکیل می‌دادند و چیزی در چنته نداشتند که بعنوان مالیات در حدی بپردازند که مشکل ورشکستگی دولت لوئی شانزدهم را حل کند. در نتیجه ناخاسته فشارهای مالیات بر گردن اشراف و کلیسا می‌افتاد. یکی از تئوری‌ها اصلی فیزیوکرات‌ها عدم دخالت دولت در بازار تولید (که علی‌العموم منظورشان بستن مالیات بر زمین و غیره بود) بود. اینکه دولت نباید مالیات‌ها را بالا ببرد و قیمت محصولات را اجازه بدهد که خود بازار (حال بازار آن دوره هر چه که می‌توانست معنی بدهد) تعیین کند. ظرافت و تفاوت بین فیزیوکرات‌ها با مکتب شیکاگو در این است که کسر مالیات‌ها در هر حدی، فشاری به آنصورت حداقل از این طرف را متوجه سرفها نمی‌کرد؛ اما مکتب شیکاگو با مطالبه کسر مالیات، در واقع مالیات شرکت‌ها و کمپانی‌ها را کسر می‌کند و فشار باج و خراج دولتی را بر گردن طبقه کارگر می‌اندازد. دولت

لوئی ۱۶ که در حال ورشکستی بود، چاره ای نداشت جز اینکه به تئوری‌های فیزیوکرات‌ها تن بدهد. با رها شدن افسار قیمت‌ها، قیمت‌ها چندین برابر شدند، چیزی که هم فیزیوکرات‌ها و هم مسئولین دولتی آن را پیش بینی کرده بودند. و با گران شدن و در عدم دسترسی قرار گرفتن مایحتاج اولیه زندگی، طبقه سوم به شورش‌هایی دست زد که مورخین زیادی انقلاب کبیر فرانسه را حاصل پراتیک شدن تئوری‌های فیزیوکرات‌ها می‌دانند.

فیزیوکرات‌های ایرانی در بعدی هم چنین کاری را دارند می‌کنند، منتها فرانسه ورشکسته و مردم گرسنه راه دیگری نداشتند جز اینکه نیروهای مولده آن کشور را اینچنین رشد بدهند. اگر جیب و کیسه زمینداران و کلیسا پر می‌شد و تجارت آزاد و بدون قید و بندهای گمرکی و کسر قابل توجهی از مالیات‌ها به رشد صنعت و نیروهای مولده کمک می‌کرد، مجید محمدی و دیگر طرفداران ریاضت اقتصادی در ایران می‌خواهند جیب سرمایه داران را پر کنند، در حالیکه سرمایه داری امروز مانعی بر سر راه رشد و پیشرفت بشریت است. در یک جمله، گرچه میلتن فریدمن و دوستانش در ایران سیاست‌های اقتصادی خود را لیبرالیسم کلاسیک، از جمله آدام اسمیت و فیزیوکراسی می‌خوانند، اما در دنیای واقع کاریکاتوری از عکس برگردانی وارونه از لیبرالیسم کلاسیک، هم در سیاست و هم در اقتصاد است. (اینجا فرصت پرداختن به این موضوع نیست و منظور نوشته هم چنین نیست.) اگر پراتیک کردن تئوری‌های فیزیوکرات‌ها به انقلاب کبیر فرانسه منجر شد، تئوری‌های مکتب شیکاگو در بعدی وسیعتر به نارضایاتی عمومی در سطح جهان دامن زده است. اگر انقلاب ایران می‌رود که هست و نیست جمهوری اسلامی را در هم بیچند، خواب و خیال طرفداران فریدمن در اپوزیسیون جمهوری اسلامی، با رادیکال شدن پروسه انقلاب ایران، کوچکترین شانس نمی‌توانند داشته باشند. مجید محمدی فیزیوکرات نیست، او طرفدار برنامه‌های بانک جهانی است که در روز کارگر برایش خط و نشان می‌کشد! جنبش کارگری در اول ماه مه جواب محکمی به خواب و خیال ایشان داد. ۲۵ مه ۲۰۱۰



درصد است و بازمه این کار صرفه جویی در هزینه های دولت است. ولی کارگران گفته اند قصد کوتاه آمدن در مقابل سیاستهای دولت را ندارند و تهدید کرده اند که چنانچه دولت بر تصمیم خود پافشاری کند،

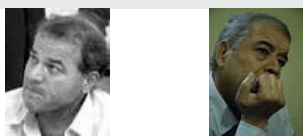
جداگانه است. و حدود ۵۲۰۰۰۰ عضو دارد. BWI) Building&wood (workers Intrnational با اتحادیه بین الملل کارگران چوب و ساختمان که در ۱۶۵ کشور بیش از ۱۲ میلیون عضو دارد، حمایت کامل خود را از خواست کارگران در یمن اعلام کرده است

### معادن زغال سنگ قتلگاه کارگران

بنا بر اخبار منتشر شده روز ۲۵ اردیبهشت ۶۶ کارگر معدنچی در روسیه و ۲۱ کارگر معدنچی در چین جان خود را در انفجار معادن زغال سنگ از دست دادند. بر اساس آخرین گزارشات منتشر شده در سال ۲۰۰۷ در هر دقیقه ۱۵ کارگر در جهان در حین کار جان خود را از دست داده اند. بخش اعظم این میلیون ها کارگر قربانی کارگران معدنچی هستند. این کارگران قربانی صرفه جویی سرمایه داران اعم از خصوصی یا دولتی در هزینه های ایمنی محیط کار برای کسب سودهای هرچه بیشتر هستند.

ماندن مذاکرات با نمایندگان دولت، این اتحادیه از روز ۱۵ مه اعلام اعتصاب کرد. این اعتصاب روز ۱۶ و ۱۵ مه فقط یک ساعت در یمن بود که بدنبال آن ای ۱۶ تا ۲۳ مه به سه ساعت در روز افزایش یافت و از روز ۲۴ مه به اعتصاب کامل ۲۴ ساعته افزایش یافت. این در واقع برنامه اعتصاب اختطاری بود که اتحادیه اعلام کرده بود که در صورت تن ندادن دولت به مطالباتشان به آن دست خواهد زد و بدین ترتیب اولتیماتوم خود را عملی کرد. خواسته های عمده این کارگران افزایش دستمزد از چیزی کمتر از ۱۵۰ دلار در ماه به ۳۰۰ دلار، کاهش مالیات بر درآمد کارگران، بهبود شرایط کار، دائمی کردن کارگران موقت و پرداخت پاداش سالانه است. دولت چندین بار تحت فشار کارگران قول به تشکیل کمیته ای برای رسیدگی به خواسته های کارگران داده بود اما این قول هیچوقت عملی نشد. کارگران که در این اعتصاب شرکت دارند از بخش های مختلف خدمات عمومی و خصوصی به استثنای کارمندان بیمارستانها، آب و برق و برج کنترل هواپیماها می باشند. اتحادیه (GLU) متشکل از ۱۲ اتحادیه

### کارگران زندانی، زندانی سیاسی آزاد باید گردد!



ابراهیم مددی، منصور اسانلو

## چند خبر از اعتراضات کارگران در سطح جهان

داود رفاهی

اقتصادی دولت خواهند ایستاد، دولت را ناکارآمد خواندند و خواهان استغفای آن شدند. دولت رومانی به منظور دریافت وام ۲۵ میلیارد دلاری از صندوق بین المللی پول قصد دارد دستمزد کارمندان دولت را تا ۲۵ درصد و حقوق بازنشستگان را تا ۱۵ درصد کاهش دهد. این در واقع پیش شرط صندوق بین المللی پول برای اختصاص وام به دولت رومانی است. آنها میگویند کسری بودجه باید به سطح ۶/۸ دصد برسد که هم اکنون بالای ۲/۷

**اعتراض گسترده در رومانی به سیاست ریاضت اقتصادی دولت**  
چهارشنبه ۱۹ مه بوداپست پایتخت رومانی شاهد تظاهرات بیش از ۴۰۰۰۰ تن در اعتراض به سیاست تعدیل کسری بودجه دولت بود. معترضین که شامل کارگران بخش خدمات عمومی، پزشکان، معلمان، کارگران معادن و بازنشستگان میشدند با اعلام اینکه در مقابل سیاست ریاضت کشی

### اعتصاب کارگران در مکه - عربستان سعودی

روز یکشنبه ۱۶ مه در یک اقدام غیر معمول کارگران یک شرکت ساختمان سازی که در محال ساختن پروژه ای در نزدیکی کعبه به کار اشتغال دارند، در اعتراض به دو ماه دستمزد معوقه شان دست از کار کشیدند. این اعتصاب فقط بعد از چند ساعت با قول و وعده های کارفرمایان دولت در ظرف چند روز آتی، موقتا خاتمه یافت. این کارگران که تعدادشان به بیش از ۵۰۰ نفر میرسد از کشورهای مصر، سوریه، و ترکیه هستند. میلیونها کارگر از کشورهای هند و پاکستان و نپال و مصر و سوریه و .. در عربستان سعودی مشغول به کار هستند که اغلب آنها از شرایط کاری نامناسب و دستمزدهای بسیار ناچیز رنج میبرند. عربستان سعودی در سالهای اخیر میلیاردها دلار در زمینه کارهای ساختمانی و جاده سازی و هتل سازی سرمایه گذاری کرده است. این امر باعث تقاضای بیشتر برای افزایش نیروی کار شده است.

### اعتصاب عمومی در یمن (GLU)

به دعوت اتحادیه عمومی کارگران در یمن و در پی بی نتیجه

### اعتصاب متحد و پیرومند کارگران خدمات راه آهن در الجزایر

حدود ۱۰۰۰۰ تن از کارگران راه آهن الجزایر با خواست افزایش دستمزد و مزایا از روز سه شنبه ۱۱ مه دست به یک اعتصاب نامحدود زدند. در این روز حرکت قطارها در پایتخت و چند شهر اطراف صد درصد از حرکت باز ایستاد و شهرها کاملاً فلج شد. این کارگران که گفته بودند تا دستیابی به مطالباتشان به سرکارهای خود باز نخواهند گشت، برخواست خود پافشاری میکردند و متحدانه و یکدست به حرکت اعتراضی خود ادامه دادند. تا اینکه روز دوشنبه ۱۷ مه در پی مذاکره با مقامات حکومتی توانستند خواست افزایش دستمزد به میزان ۲۰ درصد را به دولت تحمیل نکنند. لازم به ذکر است که در ماههای اخیر بدلیل پایین بودن سطح دستمزد ها و افزایش قیمت ها کارگران در بخشهای مختلف از جمله بهداشت و درمان، آموزش، صنایع و خدمات عمومی دست به حرکت های اعتراضی زده اند و در بسیاری از موارد که متحدانه و با قدرت عمل کرده اند، موفق به تحمیل خواسته هایشان به دولت و کارفرمایان شده اند.

### اعتصاب کارگران معادن در زیمبابوه

در پی بی نتیجه ماندن مذاکرات بین نمایندگان سندیکای کارگران معادن و کارفرمایان، بی ای ۲۵۰۰۰ تن از کارگران این بخش با خواست افزایش دستمزد دست از کار کشیدند. روز پنجشنبه ۱۳ مه بیش از ۲۵۰۰۰ تن از کل مجموع کارگران بخش معادن که تعدادشان به ۴۰۰۰۰ نفر میرسد، اعلام کردند که دستمزد ماهانه ۱۴۰ دلار به هیچ وجه کفاف هزینه زندگیشان را نمیدهد و خواسته اند حداقل دستمزد به ماهانه ۲۹۰ دلار افزایش یابد. این کارگران که در بخش های مختلف استخراج زغال سنگ، طلا، پلاتین، و الماس کار میکنند، میگویند در ماههای اخیر وضعیت صنایع معادن رو به بهبود گذاشته است و آنها نیز حق دارند که از این بهبود وضعیت سهمی ببرند. مدیر عامل اطاق معادن Chris Hokonya گفته است این باعث تاسف است که کارگران دست از کار کشیده اند. در حالیکه مذاکرات ادامه دارد، ولی رئیس هیئت مدیره سیندکای کارگران معادن Tinngo Ruzive گفته است که کارفرمایان از ادامه مذاکره سرباز زده اند و به همین دلیل آنها هم تهدیدشان را عملی کرده اند.

## زنده باد سوسیالیسم!

## به کمپین اخراج رژیم اسلامی از سازمان جهانی کار (ای ال او) پیوندید

کمپین همبستگی کارگری حزب کمونیست کارگری ایران، در ۹ مه طی نامه ای به اتحادیه های کارگری در سراسر جهان خواهان پیوستن آنها به کمپین حزب برای اخراج جمهوری اسلامی از سازمان جهانی کار شد. در بخشی از این نامه آمده است:

"ما از همه اتحادیه ها و سازمانهای مدافع حقوق بشر و تمام کسانی که از این عمل وحشانه خشمگین شده اند، می خواهیم که رژیم اسلامی ایران را قویا محکوم کنند. بخصوص از همه می خواهیم که به کمپین اخراج رژیم اسلامی از سازمان جهانی کار (ای ال او) پیوندید. این رژیم نباید اجازه داشته باشد که با عضویتش در ای ال او دنبال کسب مشروعیت باشد. رژیم کارگران و فعالین سیاسی را شلاق می زند، زندان، شکنجه و اعدام می کند؛ رژیمی که کودکان را اعدام و زنان را با سنگسار می کشد؛ رژیمی که اعتراضات خیابانی غیرمسلح را به رگبار می بندد و به معترضین دریند تجاوز می کند نباید اجازه داشته باشد پا به هیچ نهاد و فروم بین المللی بگذارد، چه برسد به نهادی که نام کارگر را بر خود دارد. این رژیم جایش نه در ای ال او که در دادگاههای بین المللی برای جواب دادن به جنایاتش علیه بشریت است. ما از هیأت رئیسه ای ال او می خواهیم که عضویت جمهوری اسلامی را بخاطر نقض آشکار حقوق انسانی و نقض حق زندگی کارگران و توده مردم در ایران، باطل و لغو کند. اخراج رژیم اسلامی از ای ال او خواست کارگران بوده که در موارد متعددی به ای ال او اعلام شده است. این مسئله بارها موضوع اعتراض کمپین همبستگی بین المللی حزب

ما در کنفرانسهای سالانه ای ال او بوده است. هر سال شواهد مختلفی از نقض مخوف حقوق انسانی توسط رژیم اسلامی توسط اتحادیه های کارگری جهان، حزب ما و کمپینها و فعالین کارگری در اختیار کمپینهای مختلف و هیأت رئیسه ای ال او قرار داده شده اند. اما متأسفانه هیأت اجرایی ای ال او به این اعتراضها بی توجهی کرده است.

با قتل فرزند کمانگر و ۴ فعال سیاسی دیگر امروز، دیگر هیچ توجه و بهانه بورکراتیک دیگری برای ادامه عضویت این رژیم در ای ال او قابل قبول نیست. هر توجیه دیپلماتیک برای ادامه روابط با این رژیم با انزجار مطلق توسط کارگران و مردم ایران و جنبش کارگری جهانی بشریت مترقی روبرو خواهد شد. ما از ای ال او می خواهیم که بلافاصله دعوت خود از دولت ایران برای شرکت در کنفرانس سالانه خود در ژوئن ۲۰۱۰ را پس بگیرد. ما از اتحادیه های کارگری در سراسر جهان می خواهیم که از خواست ما از ای ال او برای لغو عضویت جمهوری اسلامی حمایت کنند.

در آخر، اگر چنانچه ای ال او بدون توجه به اعتراضات جهانی، جمهوری اسلامی را به کنفرانس ژوئن خود راه داد، ما از همه سازمانهای کارگری و نمایندگانشان از همه کشورها در کنفرانس ای ال او می خواهیم که در هر جلسه ای که نمایندگان رژیم اسلامی ایران شرکت داشته باشند، آن جلسه را ترك کنند. حزب ما همانند سالهای گذشته و به نمایندگی از کارگران و مردم ایران، که همچنان در ای ال او نمایندگی نمی شوند، اعتراض قدرتمندی را به این کنفرانس سازمان خواهیم داد."

## نامه اعتراضی اتحادیه فرهنگیان و معلمان نروژ در رابطه با اعدام جنایتکارانه فرزند کمانگر و دیگر زندانیان سیاسی

است. بعنوان رهبر اتحادیه فرهنگیان از دولت نروژ درخواست دارم که موضوع اعدام فرزند معلم و برخورد های غیر انسانی که متوجه معلمان و فعالین سندیکایی به عنوان مثال رسول بداغی، هاشم خواستار و بهمن گودرزاد، که در حال حاضر در زندان هستند مورد توجه و به دولت ایران گوشزد کنند.

فرزاد کمانگر یک فعال سیاسی و کارگری بود که در زمستان ۲۰۰۶ دستگیر و مورد شکنجه های غیر انسانی قرار گرفت. رژیم ایران مسئول مستقیم تمام این رفتارهای غیر انسانی است که کمانگر در زندان متحمل شد. در این چهار سال که فرزند در زندان بود، او را مورد شکنجه های روحی و بدنی قرار دادند و حتی خانواده او را هم بارها مورد تهدید قرار داده و در آخر در یک دادگاه نمایشی او را محکوم به اعدام کردند. اتحادیه فرهنگیان و معلمان نروژ به طور جدی دنبال این جریان بوده و در سالهای ۲۰۰۷ و ۲۰۰۸ با کمپین جمع آوری امضا و ارسال کارت پستال های اعتراضی بوسیله معلمین نروژ از رژیم ایران خواستیم که به وضعیت غیر انسانی فرزند رسیدگی و حکم اعدام او را لغو کنند.

بعد ها مسئله فرزند و دیگر زندانیان سیاسی با ارسال نامه های اعتراضی به دولت ایران پیگیری شد. در این رابطه اتحادیه های کارگری و مدافعین حقوق بشر در سطح جهان انزجار خود را نسبت به احکام اعدام در ایران نشان داده اند و فدراسیون جهانی اتحادیه های معلمان با سازمان جهانی کار تماس گرفته و سازمان جهانی کار از دولت ایران خواسته بود که اعدامها را لغو و

به دنبال اعدام جنایتکارانه معلم محبوب و شناخته شده در سطح جهان، فرزند کمانگر و چهار زندانی سیاسی دیگر، علی حیدریان، شیرین علم هولی، فرهاد و کیلی و مهدی اسلامیان توسط رژیم جنایتکار اسلامی و به دنبال تماس سخننگوی کمپین همبستگی بین المللی کارگری حزب کمونیست کارگری در نروژ، مهران خورشیدی، با اتحادیه فرهنگیان و معلمان نروژ در این رابطه، لیدر اتحادیه فرهنگیان و معلمان نروژ با ارسال نامه ای به وزارت خارجه نروژ که رونوشت آنرا برای ما و روسای اتحادیه های کارگری نروژ ارسال کرده خواستار عکس العمل دولت نروژ به این عمل جنایتکارانه و تحت فشار قرار دادن و اعتراض به رژیم ایران به خاطر اعمال غیر انسانی در برخورد به معلمین و فعالین کارگری زندانی شد. در این نامه اتحادیه فرهنگیان و معلمان نروژ خاطر نشان کرد که دنیا اعمال غیر انسانی حکومت ایران نسبت به شهروندان این کشور را تحت نظر دارد و این اعمال بر روابط این رژیم با جهان تأثیر بسیار منفی داشته و خواهد داشت.

ترجمه متن نامه:

از : اتحادیه فرهنگیان و معلمان نروژ به : وزارت خارجه نروژ فرزند کمانگر اعدام شد

معلم ایرانی فرزند کمانگر در روز ۹ مه در حالی اعدام شد که اتحادیه های سراسر جهان به دستگیری و حکم اعدام او اعتراض کرده بودند. به دنبال خبری که از مدافعین حقوق بشر در ایران رسیده است، رژیم ایران یک سلسله اعدامها را به راه انداخته

است. ون لی وون، در این مورد گفت: "ما از شنیدن خبر اعدام فرزند عمیقاً شوکه و غمگین شدیم. پرونده فرزند بخاطر رفتار مرموزانه و غیر شفافی که در دادگاه او در پیش گرفته شده بود، عدم دسترسی او به حداقل حقوق بنیادین يك زندانی، و این واقعیت که نه خانواده و نه نمایندگان حقوقی از اعدام او خبردار نشده بودند برای همه ۳۰ میلیون اعضای بین الملل آموزش بویژه درد آور است. روز اعدام فرزند يك روز فاجعه آمیز برای معلمان، فعالان اتحادیه های کارگری و حقوق بشر است و بین الملل آموزش همبستگی عمیق خود را با خانواده فرزند، همکاران و دانش آموزان او اعلام می کند."



علی حیدریان، فرزند کمانگر، فرهاد و کیلی، شیرین علم هولی و مهدی اسلامیان

## نه قومی، نه مذهبی، حکومت انسانی!

کانون معلمین مدارس ابتدایی ونکور، اتحادیه معلمان آلمان، فدراسیون معلمان کانادا، اتحادیه فرهنگیان و معلمان نروژ و کمیسیون همبستگی بین المللی "کارگران صنعتی جهان" طی نامه های اعتراضی اعدام جنایتکارانه فرزند کمانگر و دیگر زندانیان سیاسی را محکوم کردند.

## اعتصاب کارگران کیان تابر

بنا به اخبار منتشر شده، کارگران کیان تابر از ساعت ۵ بعدازظهر روز ۵ خردادماه در اعتراض به عدم پرداخت دستمزدهای خود دست به اعتصاب زدند. این خبر می افزاید که نصب اعلامی بر تابلوی کارخانه توسط مدیریت جدید در باره دستمزدهای پرداخت نشده کارگران، باعث زمره اعتراض در بین کارگران شد. بدنبال این مسئله، کارفرمای جدید کارخانه به قسمتهای مختلف کارخانه سر می زند و کارگران را تهدید می کند که در صورت اعتراض، کارخانه را خواهد بست. این تهدید باعث واکنش متقابل کارگران شد و کارفرمای جدید شروع به توهین به کارگران می کند که این امر باعث خشم کارگران می شود بطوری که کارفرما با

فرامیخواند که با برگزاری مداوم مجمع عمومی و ایجاد تشکل کارگری، اتحاد خود را مستحکم تر کنند و به شیوه ای سازمان یافته حمایت مراکز کارگری دیگر را از اعتراض بحق خود جلب کنند. حضور خانواده های کارگری در تجمعات کارگران و جلب حمایت و همبستگی سایر مراکز کارگری و مردم آزادیخواه عامل مهمی در عقب راندن کارفرما و ادارات و ارگانهای دولتی خواهد بود. حزب از همه کارگران و همه مردم میخواند که از اعتصاب کارگران کارخانه کیان تابر حمایت کنند و به هر طریق ممکن به آنان یاری رسانند. آزادی، برابری، حکومت کارگری مرگ بر جمهوری اسلامی زنده باد جمهوری سوسیالیستی حزب کمونیست کارگری ایران ۲۷ مه ۲۰۱۰، ۶ خرداد ۱۳۸۹

## کارگران کارخانه گندله سازی سیرجان اعتصاب کردند

داشتن شغل مناسب و دستمزد مکفی حق همه مردم است خواهان بازگشت به کار کلیه کارگران اخراجی گندله سازی شوند. اعتراض به بیکارسازی کارگران باید با عکس العمل همه مردم آزادیخواه مواجه شود. در مقابل جهنم فقر و بیکاری و محرومیت هائی که جمهوری اسلامی به اکثریت عظیم مردم تحمیل کرده است باید یکپارچه دست به اعتراض زد. حکومتی که نمیتواند جوابگوی این خواست های بحق و اولیه مردم باشد باید گوش را گم کند. آزادی، برابری، حکومت کارگری مرگ بر جمهوری اسلامی زنده باد جمهوری سوسیالیستی حزب کمونیست کارگری ایران ۲۵ مه ۲۰۱۰، ۴ خرداد ۱۳۸۹

حزب کمونیست کارگری از مبارزه کارگران سد گتوند علیا در خوزستان قاطعانه حمایت میکند و نپرداختن دستمزد کارگران را یک جنایت آشکار کارفرمایان و جمهوری اسلامی میدانند. حزب کارگران بخش های مختلف سد را به برگزاری مجمع عمومی و تصمیمات متحد و یکپارچه فرامیخواند. حزب کمونیست کارگری ایران ۲۷ مه ۲۰۱۰، ۶ خرداد ۱۳۸۹

بتن ریزی سر ریز این سد را انجام میدهد، در اعتراض یه ۵ ماه دستمزد معوقه دست به یک اعتصاب ۵ روزه در اردیبهشت ماه زدند و با وعده دریافت دستمزد به سر کار برگشتند، اما وعده ها توخالی از آب درآمدند و کارگران مجددا در روزهای گذشته اعتصاب را از سر گرفته اند. بنا به همین خبر دارندگان بیل ها و ماشین آلات سنگین و همچنین مینی بوس های استیجاری ایاب و

## اعتصاب هزاران کارگر سد گتوند علیا در خوزستان

طبق گزارش یکی از خبرنگاران حزب، هزار کارگر شرکت اکتشافات که یکی از پیمانکاران سد گتوند علیا بر روی رود کارون است، از روز ۱۲ اردیبهشت در اعتراض به تعویق دستمزد فروردین ماه دست به اعتصاب زدند و موفق شدند دستمزد یکماه خود را نقد کنند. کارگران تصمیم گرفته اند در صورتیکه دستمزد ماه اردیبهشت آنان نیز به

## بیکارسازی ۵۲۰۰۰ کارگری در عسلویه طی ۴ سال

در خبری در سایت ایلنا گزارش از بیکارسازی ۵۲ هزار کارگر طی ۴ سال اخیر در عسلویه میکنند. در این گزارش آمده است که در حال حاضر تنها ۸ هزار کارگر در این شهرک اقتصادی به کار اشتغال دارند. که عمدتا در حوزه نفت و گاز فعالیت دارد. بنا به گزارش یکی از سیاست های وزارت کار در قبال این منطقه تحت عنوان ایجاد اشتغال بیشتر، اعلام آن به عنوان منطقه آزاد تجاری بوده است. به این معنی که در این



متحد و قدرتمند تا رسیدن به خواسته های خود فرامی خواند. حزب از کلیه کارگران و اعضای خانواده کارگری می خواهد که متحد و یکپارچه در مقابل اجحاف و زورگویی علیه کارگران بایستند. آزادی، برابری، حکومت کارگری مرگ بر جمهوری اسلامی زنده باد جمهوری سوسیالیستی حزب کمونیست کارگری ایران ۲۷ مه ۲۰۱۰، ۶ خرداد ۱۳۸۹

## اعتراض کارگران پتروشیمی کارون در ماهشهر به تحمیل کار اضافه

بنا بر خبری که در سایت اتحادیه آزاد کارگران ایران درج شده است، بخشی از کارگران پتروشیمی کارون در ماهشهر به تحمیل کار اضافه از سوی مدیریت اعتراض کرده اند. از مدتی قبل مدیریت بجای استخدام نیروی جدید، کار مشکل و مهم نمونه گیری از مواد شیمیائی که در این پتروشیمی بسیار خطرناک هم هست (فرایند تولید ماده سرطانزای ایزوسیاناتها) را بدون پرداخت دستمزد اضافی به عهده کارکنان قسمت بهره برداری انداخت. در اعتراض به این زورگویی و سوء استفاده آشکار، روز چهارشنبه ۲۹ اردیبهشت ماه حدود ساعت ۱۲ ظهر کارگران شیفت های صبح و

سایت کارگران [www.kagaran.org](http://www.kagaran.org)

سایت روزنه [www.rowzane.com](http://www.rowzane.com)

سرنگون باد جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

## اخبار اعتراضات کارگری در ایران

### کارگران "شرکت مهارت" از شرکت‌های زیر مجموعه سایا و دستمزدهای پرداخت نشده

به گزارش سایت اتحاد، کارگران شرکت "مهارت" از شرکت‌های زیر مجموعه سایا در آراک ۹ ماه است دستمزدی دریافت نکرده‌اند.

بنا بر این گزارش این کارگران سال گذشته در اعتراض به عدم پرداخت دستمزدهای خود چندین بار دست به اعتراض زدند. اما علیرغم این اعتراضات، عدم پرداخت دستمزدهای این کارگران از سوی شرکت مهارت همچنان تداوم پیدا کرده است. در این شرکت حدود ۷۰۰ کارگر به کار اشتغال دارند. بر اساس این گزارش کارگران شرکت "تکران" نیز که آن هم یکی از شرکت‌های زیر مجموعه سایا ادر شهر آراک است و تولید کننده باک پراید می باشد سه ماه است دستمزدی دریافت نکرده‌اند.

### حکم ۵ سال زندان برای پژمان رحیمی تأیید شد

دادگاه تجدید نظر اهواز حکم ۵ سال زندان برای پژمان رحیمی از فعالین کارگری خوزستان را تأیید و به وی ابلاغ کرد. کلیه پرونده های تشکیل شده برای کارگران و فعالین سیاسی باید لغو شوند. تمامی زندانیان سیاسی باید فوراً و بدون قید و شرط از زندان آزاد شوند.

### تجمع موفقیت آمیز رانندگان تاکسی شهرستان کامیاران

به گزارش کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری، در پی تجمع و اعتراض تاکسیرانان شهرستان کامیاران به وضعیت نامناسب کاری، مسئول تاکسیرانی به خواست آنها تن داد.

طبق این گزارش تاریخ ۲۹/۲/۸۹ رانندگان تاکسی در این شهر در اعتراض به طرح ادغام ایستگاه تاکسی فاز یک و دو و سه شهرک بعثت در کامیاران در جلوی

درب ساختمان شورای شهر تجمع اعتراضی برپا داشتند. با تجمع تاکسی رانان بلافاصله ماموران اماکن و اطلاعات در محل حاضر شده و برای ایجاد فضای رعب و وحشت از رانندگان معترض شروع به فیلم برداری کردند. اما بدنبال تجمعات مکرر رانندگان تاکسی توانستند خواست های خود را به مسئول تاکسیرانی تحمیل کنند.

### کارگران شرکت دنا ره سازان و دستمزدهای معوقه

کارگران شرکت دنا ره سازان در شهرستان ساوه چهار ماه است دستمزدهای خود را دریافت نکرده اند. این کارگران اواخر سال گذشته در اعتراض به عدم پرداخت دستمزدهای خود چند بار دست به اعتصاب زدند.

### اخراج سی کارگر در شرکت شمس ساوه

به گزارش سایت اتحاد شرکت شمس ساوه سی نفر از کارگران خود را اخراج کرد. کارفرمای این شرکت دو ماه از دستمزد این کارگران را نیز پرداخت نکرده است و در موردی اقدام به جعل قرارداد یکی از کارگران اخراجی نموده است. بنا بر اظهار کارگران این کارخانه، این کارگر که کارفرما اقدام به جعل قرارداد وی کرده است، پس از اتمام قرارداد سه ماهه خود، شش ماه بدون قرارداد مشغول بکار بوده است که این امر میتواندست به منزله دائمی بودن این کارگر به لحاظ قانونی تلقی شود. از همین رو دلیل کارفرما با ترفند، این کارگر را وادار به امضای قراردادی کرده است که تا پایان اسفند ماه سال گذشته معتبر بوده و پس از پایان اسفند ماه از پذیرش وی بر سر کار سرباز زده است.

### تحصن کارگران چینی البرز

روز دوشنبه ۲۷ اردیبهشت

بیش از ۱۶۰ کارگر کارخانه چینی البرز قزوین در ادامه تجمعات روزهای گذشته خود مجدداً در این کارخانه تجمع کرده و متحصن شدند. این کارگران از ساعت ۷ صبح به کارخانه آمده و کارت حضورزدند و برای پیگیری حقوق های معوقه و در اعتراض به حکم انحلال این شرکت، تحصن کردند.

### تجمع اعتراضی تاکسی داران شاهرود

صبح روز ۲۸ اردیبهشت ۳۰۰ نفر از تاکسی داران شاهرود در حرکتی اعتراضی با تجمع در مقابل فرمانداری و به صدا در آوردن صدای بوق ماشین های خود در رابطه با صف طویل گاز دست به تجمع زدند. این حرکت اعتراضی حدود ۳۰ دقیقه به طول انجامید، بنا بر خبر این تاکسی رانان باید هر دو روز ۳ الی ۴ ساعت در صف گاز باشند تا سوخت ماشینهای خود را تأمین کنند و این یکی از معضلات جدی تاکسی رانان این شهر است و عملاً در آمد آنها را به طور جدی کاهش داده است. سرانجام تاکسی داران در انتهای تجمع خود خواستار این شدند که چند جایگاه، مخصوص تاکسی ها قرار داده شود و به مشکلات آنها رسیدگی گردد.

### تجمع اعتراضی کارگران کارخانه مه نخ قزوین

روز دوشنبه ۲۷ اردیبهشت ماه، حدود ۵۰ نفر از کارگران کارخانه مه نخ قزوین در اعتراض به اخراج از کار و تعطیل شدن کارخانه و به منظور پیگیری حقوقهای معوقه خود در مقابل این کارخانه تجمع اعتراضی داشتند. در همین رابطه کارگران این کارخانه بارها و بارها دست به اعتراض زده و در مقابل مراجع دولتی جمع شده اند ولی تاکنون پاسخی به آنان داده نشده است. این اعتراضات ادامه دارد.

### تهدید کارگران کارخانه زرین خراسان، توسط عوامل وزارت اطلاعات

۴۰۰ کارگر کارخانه زرین خراسان در مشهد ۴ ماه است که دستمزدشان

## ده خواست فوری مردم!

حزب کمونیست کارگری بمنظور قدرت گیری هر چه بیشتر جنبش انقلابی مردم، تثبیت دستاوردهای آن، و تسهیل پیشروی آن در جهت سرنگونی جمهوری اسلامی مفاد زیر را بعنوان ده خواست فوری و حداقل مردم اعلام میدارد:

- ۱- بازداشت و محاکمه علنی آمرین و عاملین کشتارهای اخیر و کلیه جنایات جمهوری اسلامی در سی سال گذشته
- ۲- آزادی زندانیان سیاسی
- ۳- لغو مجازات اعدام
- ۴- لغو حجاب اجباری و جداسازی جنسیتی
- ۵- لغو کلیه قوانین ضد زن و تبعیض آمیز علیه زنان. برابری کامل حقوق زن و مرد
- ۶- جدائی کامل مذهب از دولت، از سیستم قضائی، و از آموزش و پرورش. آزادی کامل مذهب و بی مذهبی بعنوان عقیده و امر خصوصی افراد
- ۷- آزادی بی قید و شرط عقیده، بیان، اجتماعات، مطبوعات، تظاهرات، اعتصاب، تشکل و تحزب
- ۸- برسمیت شناسی حقوق مساوی برای همه شهروندان ایران مستقل از مذهب، زبان، و یا قومیت و ملیت
- ۹- محاکمه آیت الله ها و مقامات حکومتی و ایادی آنان بجرم غارت و چپاول اموال مردم و باز پس گرفتن اموال غارت شده از آنان
- ۱۰- تأمین و تضمین یک زندگی مرفه و منطبق بر آخرین استانداردها و امکانات در پیشرفته ترین جوامع برای همه شهروندان. افزایش فوری حداقل دستمزد و حقوق به یک میلیون تومان

این فرمان جنبش آزادیخواهانه مردم است. اینها خواستههای حداقل و فوری مردمی است که در صفوف میلیونی به خیابان آمده اند و شعار مرگ بر جمهوری اسلامی سر داده اند. این حداقل شرایطی است که هرکس که داعیه همگامی با اعتراضات مردم را دارد باید از آن دفاع کند.

مردم ایران برای تحقق این خواستها و سرنگونی جمهوری اسلامی با قدرت به مبارزه خود ادامه خواهند داد.

حزب کمونیست کارگری ایران- ۵ تیرماه ۱۳۸۸، ۲۶ ژوئن ۲۰۰۹

را نگرفته اند. این کارگران یکماه قبل در همین رابطه دست به تجمع اعتراضی زدند و بدنبال آن از سوی وزارت اطلاعات سراغ کارگران رفتند و ۱۵ نفر از کارگران را اخراج و کارگران را تهدید کردند که اگر به تجمعات اعتراضی خود ادامه دهند باقی آنها نیز اخراج خواهند شد.

کارگران این کارخانه نسبت به اخراج همکاران خود معترضند و خواهان پرداخت فوری طلب هایشان هستند. به گزارش فارس، صبح روز ۲۶ اردیبهشت تعدادی از کارگران مخابرات به نمایندگی از همکاران خود در سراسر کشور در مقابل مجلس شورای اسلامی تجمع و خواستار دریافت حق و حقوق خود برپایه حقوق وزارت کار شده است. براساس این گزارش این معترضین

بر اساس این گزارش این معترضین

## پیش بسوی تشکیل شوراها!

## زنده باد شورا!

## اعتصاب در صنایع فلزی شماره یک

بنا به خبری که روز ۲۹ اردیبهشت ماه در سایت "اتحادیه آزاد کارگران ایران" درج شده است، اعتصاب و تجمع کارگران صنایع فلزی شماره یک (شرکت مصنوعات زرین تهران) که از روز ۲۲ اردیبهشت ماه ۸۹ شروع شده است همچنان ادامه دارد و کارگران ضمن تدام اعتصاب خود، دست به تجمع در محوطه کارخانه زده و خواهان رسیدگی به مطالبات خود شدند. این کارگران دستمزدهای خرداد، تیر، بهمین و اسفند سال گذشته و همچنین فروردین و اردیبهشت امسال خود را دریافت نکرده اند و این کارخانه مدتهاست با ۲۰ درصد مواد اولیه مورد نیاز همیشگی خود مشغول تولید است. کارگران با نصب دو پلاکارد بر روی زرده های کارخانه مشرف به خیابان صنایع فلزی نوشته اند: "ما کارگران خواهان کار و دستمزدهایمان هستیم".

بنا بر این خبر، پس از تجمع اعتراضی کارگران در محوطه کارخانه در روز ۲۶ اردیبهشت ماه، نماینده هایی از اداره کار اسلامشهر و پلیس امنیت در محل کارخانه حاضر شدند و با شرکت مدیر کارخانه و نماینده های کارگران

که روز سه شنبه کار را شروع نخواهند کرد و تا زمان روشن شدن تکلیف خود همچنان به اعتصاب ادامه خواهند داد.

بنا به آخرین خبر دریافتی، نماینده های کارگران روز ۲۸ اردیبهشت به استانداری تهران مراجعه کرده و خواهان رسیدگی به خواسته های خود شدند. مسئولین استانداری نیز به کارگران وعده دادند یکشنبه آینده با برگزاری جلسه ای به این امر رسیدگی خواهند کرد. کارگران نیز در همان روز مدیر تولید این کارخانه را از کارخانه بیرون کرده و حاضر به برداشتن پلاکاردهای خود از روی زرده های کارخانه نشده اند و روز ۲۹ اردیبهشت اعلام کردند تا رسیدگی به مطالباتشان به اعتصاب خود ادامه خواهند داد.

حزب کمونیست کارگری از اعتصاب و تجمع کارگران صنایع فلزی شماره یک قاطعانه حمایت می کند و کارگران را فرامیخواند که با برگزاری مداوم مجمع عمومی و ایجاد تشکل کارگری، اتحاد خود را مستحکم تر کنند و به شیوه ای سازمان یافته حمایت مراکز کارگری دیگر را از اعتراض بحق خود جلب کنند. حضور خانواده های کارگری در تجمعات کارگران و جلب حمایت و همبستگی سایر مراکز کارگری و

## اطلاعیه هیأت مدیره سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه درباره تشکیل جلسه هیأت مدیره

تصمیمات خود قرار دهد. بر اساس این تصمیمات اتخاذ سیاستهای جدید و یا تغییر در سیاستهای تاکتونی تنها با تصویب در جمع هیأت مدیره امکانپذیر خواهد بود.

در پایان جلسه انتخابات مسئولین هیأت مدیره برگزار شد و رضا رخشان به عنوان رئیس هیأت مدیره و قربان علیپور به عنوان مسئول روابط عمومی به مدت یک سال انتخاب شدند.

هیأت مدیره سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه در پایان ضمن قدردانی از علی نجاتی رئیس تاکتونی هیأت مدیره و ارجگذاری بر زحمات و فداکاری های ایشان در راه متحد کردن کارگران نیشکر هفت تپه در سندیکای خود، یک بار دیگر بر اهمیت اتحاد همه کارگران برای دستیابی به هدف یک زندگی انسانی و شرافتمندانه تأکید می نماید.

هیئت مدیره سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه - ۲۹ اردیبهشت ۸۹

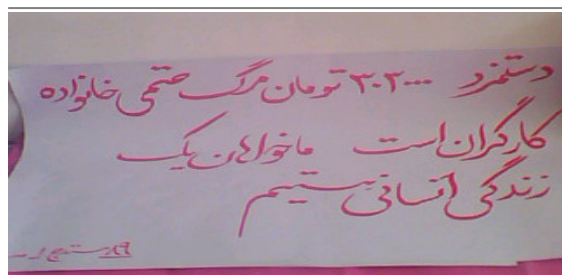
با آزادی اعصاب هیأت مدیره سندیکا از زندان، سرانجام پس از مدتها هیأت مدیره سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه موفق به برگزاری جلسه ای با شرکت اکثریت قریب به اتفاق اعضاء هیأت مدیره گردید. در این جلسه عمل کرد سندیکا و مسئولین انتخابی آن در ماههای گذشته به بحث و بررسی انتقادی گذاشته شد.

هیأت مدیره سندیکا در این جلسه با تکیه بر برخی نقاط ضعف سندیکا بر لزوم برقراری ضوابط سندیکائی تأکید نموده و در این راستا تصمیماتی را اتخاذ نمود. بر اساس این تصمیمات در راستای برقراری ضوابط کار سندیکائی مقرر شد که مسئولین انتخابی به طور مرتب گزارش فعالیتهای خود را در اختیار هیأت مدیره سندیکا قرار دهند. همچنین قرار شد که رئیس هیأت مدیره سندیکا به طور مرتب کل هیأت مدیره را در جریان مردم آزادیخواه عامل مهمی در عقب راندن کارفرما و ادارات و ارگانهای دولتی خواهد بود. حزب از همه کارگران و همه مردم میخواند که از اعتصاب کارگران صنایع فلزی شماره یک حمایت کنند و به هر طریق ممکن به آنان یاری رسانند.

آزادی، برابری، حکومت کارگری  
مرگ بر جمهوری اسلامی  
زنده باد جمهوری سوسیالیستی  
حزب کمونیست کارگری ایران  
۲۱، ۲۰، ۱۳۸۹ اردیبهشت

هیئت مدیره مخابرات لرستان، راه را بر سایر هیئت مدیره ها و کارفرمایان یعنی این قشر انگل و مفتخور جامعه برای تعرض به چندرغاز دستمزدها و حقوقها باز میکند و باید با اعتراض همه مردم در سراسر کشور مواجه شود و در نطفه خفه گردد.

آزادی، برابری، حکومت کارگری  
مرگ بر جمهوری اسلامی  
زنده باد جمهوری سوسیالیستی  
حزب کمونیست کارگری ایران  
۲۵، ۲۰، ۱۳۸۹ خرداد



## کاهش دستمزد کارگران شرکت مخابرات لرستان یک جنایت آشکار است!

هشدار به همه کارگران و کارمندان در سراسر کشور: این یک جنایت است و باید در نطفه خفه شود

مبارزه کارگر علیه همین احجافات و دزدیها و قلدری ها و سوء استفاده های آشکار را سرکوب میکنند و حق اعتراض و تشکل را در قوانین ارتجاعی اش ممنوع کرده است. تنها راه، پایان دادن به بساط این حکومت، به بایگانی سپردن کل قوانین آن، درهم شکستن نیروهای سرکوب آن و برچیدن بساط استثمار و نابرابری و فقر و محرومیت است. انقلاب مردم ایران برای تحقق همین اهداف است و روزی که بساط این جنایتکاران در هم پیچیده شود دور نیست.

حزب کمونیست کارگری اقدام

تمامی کارکنان به صورت پاره وقت مشغول به کار شده اند. این خبر می افزاید که تعداد این کارگران حداقل ۹۹۹ نفر می باشد که بصورت قراردادی و پیمانکاری مشغول بکار هستند.

این تصمیم یک جنایت آشکار است که حقوق یک سوم زیر خط فقر مردم زحمتکش تحت عنوان صرفه جویی و در روز روشن مورد دستبرد قرار میگیرد. و این جنایت فقط و فقط به پشتوانه نیروی سرکوب یک حکومت جنایتکار صورت میگیرد. حکومت یک مشت دزد و چپاولگر که

بنا به خبری که ایلنا، خبرگزاری کار جمهوری اسلامی، روز ۴ خردادماه منتشر کرده است، هیأت مدیره شرکت مخابرات لرستان با صدور بخشنامه ای تصمیم به کاهش دستمزد کارکنان این شرکت از ماه خرداد کرده است. قرار است دستمزد چندرغاز کارگران را به میزان ۱۵ درصد کمتر از تعرفه های سال ۸۸ محاسبه و پرداخت کنند. گفته می شود که این تصمیم با هدف صرفه جویی و کاهش هزینه های اضافی! توسط اعضای هیأت مدیره اتخاذ شده و به همین دلیل از ابتدای هفته جاری

## انقلابی انسانی، برای حکومت انسانی!

## در اعتراض به حضور عوامل خانه کارگر در اجلاس مجمع جهانی کار

جمعی از کارگران ایران خودرو



آیا موارد اشاره شده تجاوز آشکار به حقوق ما کارگران نمی باشد پس چرا سازمان جهانی کار به جای ملزم کردن ایران به اجرای این موارد حقوق را از لیست ناقص کنندگان حقوق کارگران خارج نمی کند و اعلام می کند که ایران طبق استانداردهای جهانی کار رفتار می کند. ما کارگران ایران این حرکت سازمان جهانی کار را محکوم کرده و از شما شرکت کنندگان محترم می خواهیم که عضویت وزارت کار ایران را به علت عدم رعایت استانداردهای کار و به علت عدم اجرای مقابله نامه های سازمان جهانی کار و دست آویز قراردادن حقوق ما کارگران لغو کنید.

جمعی از کارگران ایران خودرو

IKCOKAR@YAHOO.CO  
M

### خراج محمد حیدری و قربان علیپور از اعضای هیئت مدیره سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه

میگیرد. کارگران هفت تپه باید متحد و یکپارچه در مقابل این تصمیم کثیف و ضدانسانی کارفرما و جمهوری اسلامی بایستند و آنها را وادار به لغو تصمیم خود کنند. حزب کمونیست کارگری ضمن محکوم کردن تصمیم کارفرما و اداره کار رژیم، کلیه کارگران نیشکر هفت تپه و خانواده های آنها و جوانان و مردم آزادیخواه هفت تپه و شوش را به حمایت هرچه فعالانه تر از خواست بازگشت به کار علی حیدری و قربان علیپور فرامیخواند.

آزادی، برابری، حکومت کارگری  
مرگ بر جمهوری اسلامی  
زنده باد جمهوری سوسیالیستی  
حزب کمونیست کارگری ایران  
۲۷ مه ۲۰۱۰، ۶ خرداد ۱۳۸۹

اخلال در کار دستگیر و اخراج می شویم. پرویز سالاروند به همین جرم دستگیر و اخراج شده است. وقتی که تمام دنیا به این حرکت اعتراض کردند، وی را آزاد و لی شرایط بازگشت او را به شرکت در یک شوی تلویزیونی اعلام می کنند. این عمل غیر انسانی اقرار از یک کارگردان حضور وکیل و وادار کردن وی برای جرم مرتکب نشده، رعایت کدام حقوق جهانی است. کشته شدن دهها نفر از دوستان ما در حوادث کار از جمله فریدون گلستانی، صادق خانمیری، بهروز امینی، حبیب له کاظمی رعایت کدام استاند ارد ایمنی است.

حضرار و شرکت کنندگان

محترم

بنا به گزارشی که روز ۵ خردادماه منتشر شده است، هیئت تشخیص اداره کار شوش، رأی به اخراج دو تن از اعضای هیئت مدیره سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه، قربان علیپور و محمد حیدری داد. قربان علیپور و محمد حیدری سال گذشته بدنبال فعالیتهای کارگری به زندان محکوم شدند و از سوی کارفرمای نیشکر هفت تپه در تاریخ ۱۶ مهرماه از کار خود اخراج شدند. این دو تن پس از این حکم از جانب کارفرما، شکایتی را به اداره کار شوش تسلیم کردند که نهایتاً هیئت تشخیص این اداره روز ۵ خردادماه اخراج آنها را از طرف کارفرما تأیید کرد.

روشن است که اخراج این دو فعال کارگری، ادامه جنگ رژیم با کارگران مبارز این کارخانه و به قصد در هم شکستن سندیکای آنان صورت

تشکیل مجمع عمومی کارگران بدون اجازه وزارت کار ایران ممنوع می باشد. اگر بخواهیم خودمان اقدام به تشکیل مجمع عمومی کنیم بلا فاصله از کار اخراج می شویم. وزارت کار ایران تشکلهای کارگری به غیر از تشکلهای دولتی را به رسمیت نمی شناسد. ما کارگران دوست نداریم در تشکلهای دولتی شرکت کنیم ما دوست نداریم در تشکلی شرکت کنیم که یک عضو اصلی آن کارفرما می باشد. ما شما حضار را به مطالعه آیین نامه شوراهای اسلامی کار که توسط دولت ایران تدوین شده و وزارت کار ملزم به اجرای آن می باشد. جلب می کنیم وزارت کار ایران هیچ کدام از مقابله نامه های سازمان جهانی کار را قبول ندارد پس دولتی که مقابله نامه های سازمان جهانی کار را قبول ندارد حق ندارد عضو آن سازمان باشد.

ما کارگران ایران هیچگونه امنیت شغلی نداریم ما در کارهایی که ماهیت دائم دارند به طور موقت و روز مزد مشغول به کار هستیم. ما کارگران را وادار می کنند که قرارداد سفید امضاء کنیم. هر وقت که کار فرما می خواهد ما را بیرون می کند. ما کارگران موقت از شمول بیمه های بیکاری خارج هستیم. این کار تجاوز آشکار به حقوق مسلم ما کارگران است. ما کارگران از داشتن هر گونه حق اعتصاب، حق اعتراض محروم هستیم. ما کارگران ایران حق برگزاری آزاد مراسم روز جهانی کارگر را نداریم. شرکت کنندگان در روز جهانی کارگر دستگیر و محاکمه می شوند. در کدام بند مقابله نامه های سازمان جهانی کار شرکت در مراسم روز جهانی کارگر جرم محسوب می شود. ما کارگران ایران حقوق زیر فقر دریافت می کنیم برای گذران زندگی روزانه با اجار ۱۱ ساعت کار می کنیم. در اثر فشار کار دو نفر از همکاران ما به نام پیمان رضی لو و امید اولادی جان خود را از دست داده اند. روز های جمعه سرکار حاضر می شویم و اگر اعتراض کنیم به جرم

مقابله نامه های سازمانی جهانی کار چگونه است. ممنوعیت فعالیت هر گونه تشکلهای کارگری در کدام بند مقابله نامه های سازمان جهانی کار آمده است. شما از مقامات ایران بپرسید آیا شرکت ایران خودرو تشکل کارگری دارد. شما بپرسید چرا شرکت ایران خودرو بیش از سی هزار نفر کارگر هیچگونه تشکل کارگری ندارد. چرا وزارت کار اجازه ایجاد هر گونه تشکلهای کارگری حتی شوراهای اسلامی کار که خود دولت ایران آن را تنها تشکل قانونی کارگران می داند نمی دهد. در شرکت ایران خودرو که بیش از سی هزار نفر در آن شاغل هستیم از داشتن هر گونه تشکل کارگری محروم می باشیم. حدود بیست و پنج سال است که ما کارگران ایران هیچ گونه تشکل کارگری نداریم. کارفرما با کمک وزارت کار در روز انتخابات کارشکنی می کند (حتی شما می توانید از خانه کارگرها بپرسید). ایجاد هرگونه تشکل کارگری در ایران ممنوع است عضویت در تشکلهای کارگری جرم محسوب میشود. اگر کسانی مبادرت به ایجاد هر گونه تشکل کارگری بنمایند بلافاصله دستگیر و محاکمه و از کار اخراج می شوند. از ورود آنان به سرکار جلوگیری می شود. روز انتخابات را به طرق مختلف لغو می کنند. چون ما کارگران هیچگونه تشکل کارگری نداریم پس هیچ نماینده کارگری نداریم. ما از شما شرکت کنندگان محترم می خواهیم که هیات شرکت کننده از طرف ایران را به عنوان نمایندگان ما کارگران نپذیرید.

حضرار و شرکت کنندگان محترم

داشتن تشکل آزاد کارگری حق ما است. ما دوست داریم هر تشکلی که می خواهیم ایجاد کنیم. ما کارگران می خواهیم طبق مقابله نامه های سازمان جهانی کار رفتار کنیم. ولی مقامات ایران چنین حقی را به ما نمی دهند.

۲۰ خرداد ۱۳۸۴

شرکت کنندگان و حضار محترم در مجمع جهانی کار ما هیات شرکت کننده از طرف ایران را به عنوان نمایندگان خود نمی شناسیم چون ما کارگران هیچگونه تشکل کارگری نداریم. شرکت کنندگان در این مجمع از طرف خانه کارگر بوده و خانه کارگر یک تشکیلات کاملاً دولتی می باشد. ایجاد هر گونه تشکلهای آزاد کارگری از جمله شوراهای کارگری و انجمنهای صنفی و سندیکاهای کارگری بدون وابستگی به دولت از طرف وزارت کار ایران ممنوع می باشند اقدام کنندگان به این کار از طرف مقامات قضائی ایران به عنوان مخلل کنندگان آسایش اجتماع و کارفرمایان باز داشت و یا از کار اخراج می شوند. ما کارگران ایران پذیرش این هیات و خارج کردن ایران از لیست ناقص کنندگان حقوق کارگران از سازمان جهانی کار را محکوم می کنیم.

حضرار و شرکت کنندگان محترم

ما کارگران ایران در تاریخ هفدهم خرداد طی نامه ای از دبیر کل جهانی کار آقای خوان سوموایا دلیل این کار را با سند اعلام کردیم ولی متأسفانه آقای دبیر کل در راستای تکمیل حرکت مقامات اروپا در مورد پذیرش ایران در سازمان تجارت جهانی و چراغ سبز آمریکا به ایران همسویا آنان در یک دهن کجی آشکار به ما کارگران ایران نه تنها از هیات شرکت کننده استقبال کردند بلکه ایران را نیز از لیست ناقص کنندگان حقوق کارگران خارج و اعلام کردند که ایران با کارگران خود طبق استانداردهای و مقابله نامه های سازمان جهانی کار رفتار می کنند.

حضرار و شرکت کنندگان محترم ما ضمن توجه شما به نامه ما کارگران در تاریخ هفدهم خرداد ماه به دبیرکل سازمان جهانی کار از شما می پرسیم رعایت استانداردهای و

## نیروهای سرکوبگر رژیم باید از مراکز کار اخراج شوند!

## گفتگوی رادیو دوپچه و له با رضا شهابی عضو هیات مدیره سندیکای واحد و نماینده هیات حل اختلاف



Photo:Ahmadreza Shojaei

ILNA

گذشتن نیمی از محکومیت هردو حق نیز به آنها داده نمی‌شود. همکار ما، آنها قانونا می‌توانند آزاد شوند یا به مرخصی بیایند. اما این

### ناصر محرم زاده از فعالین سندیکای شرکت واحد از کار تعلیق شد

مدت یک سال از کار تعلیق شده بود و در طی این مدت از داشتن حقوق و مزایا محروم بود. او با شکایت به اداره کار و پیگیری حقوقی، کارفرما را موظف به بازگشت به کار و پرداخت حقوق معوقه خود کرد. هنگامی که آقای محرم زاده به کار بازگشت برای تحت فشار قرار دادن او را به منطقه ۵ تهران منتقل کردند که با منزلش فاصله زیادی دارد و برای تردد زمان زیادی نیاز دارد تا از این طریق او را وادار به اخراج کنند. کمیته انضباطی یکی از ابزارهای سرکوب علیه کارگران در محیط کار می‌باشد و تا به حال اقدام به تعلیق تعدادی از کارگران نموده است که از جمله آنها آقای عبدالله حسینی و خانم فرحناز شیرینی می‌باشند. در حال حاضر منصور اسالو و ابراهیم مددی از رهبران سندیکای کارگری شرکت اتوبوس رانی تهران و حومه در زندان بسر می‌برند. بنا به خبر دیگری همایون جابری از اعضای سندیکای شرکت واحد در آستانه اول مه امسال از سوی شعبه ۱۴ دادگاه انقلاب جمهوری اسلامی به ریاست قاضی تقوی به ۱ سال حبس تعزیری به مدت ۳ سال تعلیق محکوم شد.

یکی دیگر از کارکنان اتوبوس رانی تهران و حومه توسط کمیته انضباطی تعلیق از کار شد. کارکنانی که از کار تعلیق میشوند از حقوق و مزایا محروم می‌شوند. ناصر محرم زاده از کارکنان شرکت اتوبوس رانی تهران و حومه که دارای ۱۱ سال سابقه کار و در منطقه ۵ تهران شاغل می‌باشد. روز ۲۳ فروردین ماه تعلیق از کار شد. او بصورت شفاهی به کمیته انضباطی شرکت اتوبوس رانی تهران اخطار شد. اما آقای محرم زاده بدلیل اینکه اخطار بصورت کتبی و رسمی نبود و همچنین نامشخص بودن علت اخطار از حضور در کمیته انضباطی خوداری کرد. او در اعتراض به عدم رعایت قوانین کار و آیین نامه های داخلی شرکت واحد از حضور در این کمیته خوداری کرد. کمیته انضباطی در یک اقدامی غیر معمول خودسرانه در جا او را از کار تعلیق کرد. هنگامی که آقای محرم زاده نسبت به تعلیق ظالمانه خود اعتراض کرد به او گفته شد شما می‌توانید مرخصی بدون حقوق بگیرید تا نسبت به اعتراض شما رسیدگی شود. آقای ناصر محرم زاده یکی از فعالین کارگری است که در جریان اعتصابات کارگران شرکت اتوبوس رانی تهران در سال ۱۳۸۴ به

ماده مربوط به استنکاف کارفرما را به جریان بیندازد. کارفرما هم ابراز بی اطلاعی می‌کند و می‌گوید مشکل از حراست است.

دوپچه‌وله: حراست اصلا از نظر اداری و اختیارات چه موقعیتی دارد؟

رضا شهابی: حراست تنها مسئول مراقبت از اموال شرکت واحد است. ابتدا نمی‌تواند در مورد استخدام یا اخراج و شرایط کاری کارگران تصمیم بگیرد اما فعلا جلوتر از همه حرکت می‌کند و رای دیوان عدالت اداری را به هیچ می‌گیرد.

دوپچه‌وله: حراست زیر مجموعه چه نهادی است؟

رضا شهابی: در گذشته، زیرمجموعه کارمندان و کارگران شرکت واحد بوده است. اما از سال ۸۳ به بعد، کلیه حراست‌های ادارات بر اساس مصوبه مجلس، زیر نظر وزارت کشور و وزارت اطلاعات کار می‌کنند. ما اصلا افراد حراست‌های ده گانه شرکت واحد را نمی‌شناسیم. آنها در ساختمان اداره مرکزی شرکت واحد مستقرند و در طبقه‌ای هستند که کاملا محرمانه است. تنها یک نفر را می‌بینیم که منشی است و سوال و جواب‌ها یا کتبی هستند یا از طریق بلندگو انجام می‌شوند. هیچکس چهره کارکنان حراست را ندیده است. مشخص نیست حقوق آنها از کجا تامین می‌شود و به چه کسی جوابگو هستند. فعلا حرف اول و آخر در شرکت واحد را این‌ها می‌زنند و مدیریت، تابع آنهاست.

دوپچه‌وله: از وضعیت آقایان اسانلو و مددی، رییس و نایب رییس سندیکای واحد چه خبر جدیدی دارید؟

رضا شهابی: آقای اسانلو در زندان گهردشت در مزیقه درمانی است. وی باید در خارج از زندان معالجه شود اما کسی توجهی به این نیاز ندارد. آقای مددی نیز در اوین با مشکلات روحی و جسمی مواجه است. ناراحتی معده و پروستات دارد. حکم پنج ساله آقای اسانلو، ۱۳ ماه دیگر تمام می‌شود و آقای مددی هم نیمی از محکومیت خود را سپری کرده است. با توجه به

دیوان عدالت اداری و اداره کار به ما می‌گفت که رای بازگشت به کار ما را داده است. به تصریح قانون، استنکاف کارفرما از پذیرش کسی که دیوان عدالت اداری برایش رای داده، پنج سال انفصال خدمت و پرداخت خسارت در بر دارد.

دوپچه‌وله: به این ترتیب به کار برگشتید و کارفرما متقاعد شد؟

رضا شهابی: بله، خوشبختانه قبول کردند. اما خواستند که وقتی نزد سایرین هستیم، موقع تعویض شیفت‌ها و شروع کار، برای کارگران سخنرانی نکنیم، میتینگ نگذاریم و به کسی مشاوره صنفی ندهیم. ما هم گفتیم ما چون از قانون کار اطلاع کامل داریم، به سوال‌ها در این زمینه جواب می‌دهیم و دیگران را راهنمایی می‌کنیم. من خودم گفتم من از فردا یک چسب به دهان می‌زنم و هرکس هر چیز پرسید، به آن اشاره می‌کنم که خواست کارفرماست. در نهایت با هم کنار آمدیم و به کار برگشتیم.

من الان به عنوان یک فعال کارگری، عضو هیات مدیره و نماینده کارگران اخراجی، پیوسته در وزارت کار و هیات حل اختلاف حاضر می‌شوم. تا امروز توانسته‌ام برای ۱۲۰ کارگر اخراجی، حکم برگشت به کار بگیرم. برای همین کارفرما از من شاکی است. می‌گوید در زمانی که در شرکت واحد کار می‌کنید، حق وکالت و نمایندگی کارگران را ندارید.

دوپچه‌وله: در خبرها هست که حراست شرکت واحد، جلوی کار آقای باباخانی همکار شما را گرفته است. چرا؟

رضا شهابی: آقای عطا باباخانی حکم برگشت به کار دارد و حتی یکنوز هم کار کرده است. نامه ایشان در اداره مرکزی صادر شده اما مسئول منطقه شش واحد جلوی ادامه کار او را گرفته و گفته که از بالا دستور رسیده است. به باباخانی گفته‌اند چون سندیکایی هستی، حق کار در شرکت واحد را نداری. یا باید باز خرید شوی یا دوباره از کار تعلیق شوی. گفته‌اند ما به رای دیوان عدالت اداری کاری نداریم. باباخانی هم دارد پیگیری قانونی می‌کند تا

دوپچه‌وله: دیوان عدالت اداری به چه صورتی در مورد شکایت‌های شما رای داد؟ چند نفر به کار بازگشتند؟

رضا شهابی: اعتراضات ما در سال ۸۴ موجب شد که بسیاری از اعضای سندیکای شرکت واحد از کار بیکار شوند و تعداد دیگری دستگیر یا احضار شوند. با گذشت زمان، دستگیر شدگان با سند یا وثیقه آزاد شدند. همی این افراد از شرایط خود به اداره کار شکایت بردند. دو سال طول کشید تا این شکایت‌ها به ثبت رسید و در نهایت، هیات حل اختلاف در اداره کار، رای به اخراج همکاران ما داد. پیگیری‌های ما یکسال دیگر طول کشید تا این بار دیوان عدالت اداری رای به ورود عده‌ای و اخراج تعدادی دیگر داد.

دوپچه‌وله: چند نفر رای بازگشت به کار گرفتند؟

رضا شهابی: آن زمان شش نفر از اعضای هیات مدیره سندیکای واحد توانستند رای بازگشت به کار بگیرند و ۲۵ نفر دیگر رای اخراج دریافت کردند. همین باعث شد که ما دوباره شکایت کردیم و گفتیم پرونده‌های همه ما مشابه هم بوده اما چرا شعبه‌های شما تصمیم‌های متفاوتی گرفتند. این پرونده‌ها دوباره بررسی شدند و بالاخره نتیجه گرفتند که همه باید به کار بازگردند. با این همه، هنوز ۷ نفر از ما پلاکلیف مانده‌اند و دیوان عدالت اداری در موردشان رای قطعی نداده است: اکبر پیرهادی، منصور حیات غیبی، ناصر غلامی، حسن میرزایی، حسن کریمی، حسین کریمی سبزواری و هادی سلیمی.

دوپچه‌وله: از قرار آنها هم که بازگشت به کار گرفته‌اند، با مشکلاتی از سوی حراست روبرو شده‌اند؟

رضا شهابی: متأسفانه کارفرما به رای دیوان احترام نمی‌گذاشت. از من و داود رضوی و سعید ترابیان که اعضای هیات مدیره سندیکا بودیم، می‌خواستند که تعهد عدم فعالیت صنفی بدهیم. ما هم گفتیم اگر قرار به این بود، چند سال هزینه و گرفتاری و مشکل تحمل نمی‌کردیم. ما گفتیم که اگر چنین شرطی لازم بود،

**کارگر کمونیست را تکثیر کنید و آنرا بدست دوستان و آشنایان برسانید!**

## تشکل‌های کارگری؛ 'سرپناه کارگران برای سازمان یافتن مبارزات کارگری'

گفتگوی حسین، عضو شورای موقت کارگری مجتمع‌های پتروشیمی ماهشهر، با «رادیو فردا»

دلایل تشکیل شورای موقت کارگری در مجتمع‌های پتروشیمی ماهشهر چه بوده است؟

علت اصلی تشکیل شورا این بود که کارگران پیشرو شاغل در منطقه، یعنی فعالان کارگری، به ضرورت یک تشکل پایه ای که خواست‌های کارگران را نمایندگی کند و بتواند صف اعتراض آنان را برای رسیدن به خواست‌هایشان متحد کند، پی برده بودند. شورا می‌تواند کارگران معترض و پیشرو واحدهای مختلف در این مجتمع را به هم نزدیک کند، کارگران را بر روی خواست‌های مشترکشان به حرکت و اعتراض فرابخواند و سرپناهی برای سازمان یافتن مبارزات کارگری باشد.

فعالان کارگری به این نکته مهم که کارگران با وجود پتانسیل قوی مبارزاتی و به رغم محرومیت از داشتن تشکل و سرکوب و کنترل شدید در این منطقه، قادر به پیشبرد مبارزات قدرتمند نخواهند بود، به این نیاز حیاتی و داشتن تشکل توجه کردند و شورای موقت کارگری مجتمع‌های پتروشیمی ماهشهر را تأسیس کردند؛ به ویژه که مبارزه کارگران بدون وجود تشکلی که همه بخش‌های مجتمع را زیر بال خود بگیرد، پراکنده می‌ماند.

برای مثال، در بهترین حالت ممکن است کارگران به طور مثال، در حرکت، حقوق یک ماه خود را دریافت کنند، ولی بطور قطع نخواهند توانست بدون اتحاد و داشتن تشکل ویژه خود و بدون مبارزه سراسری در کل منطقه، جلوی بیکار سازی‌ها بایستند، دستمزدهای پرداخت نشده خود را دریافت کنند، سطح دستمزدشان را بهبود دهند، ایمنی محیط کار داشته باشند و همه آن خواست‌هایی که تشکل‌های کارگری در قطعنامه اول مه بر روی تحقق آنها تأکید کردند، برآورده شوند.

به نظر من، داشتن تشکل مثل

نان شب برای کارگران لازم و حیاتی است. به این ترتیب، ما نخواهیم گذاشت که به زندگی و معیشت ما تعرض کنند و همراه با خانواده‌های مان زیر خط فقر زندگی کنیم و بچه‌های مان از تحصیل محروم شوند.

در شرایط کنونی، وضعیت کارگران شاغل در مجتمع‌های پتروشیمی ماهشهر چگونه است؟

این مجتمع‌ها اصلاً وضعیت خوبی ندارد.

اوضاع اقتصادی نابسامان جامعه، شیرازه امور در این منطقه حساس صنعتی را نیز از هم پاشانده و کارخانه‌ها یکی یکی دارند به تعطیلی کشیده می‌شوند. برای مثال، مجتمع «شهید رسولی» تولیدکننده فرمالین است که به دلیل تحریم‌های اقتصادی نمی‌تواند تولیداتش را صادر کند و در عین حال، این تولیدات نیز در داخل مصرف داخلی ندارد و از سوی دیگر، چون انبارش پر شده، به اجبار تعطیل شده است.

مدیریت این مجتمع، کارگران را با ۱۰ روز کار در ماه فروردین حفظ کردند و سپس گفتند که امیدوارند از اول اردیبهشت بتوانند تولید را شروع کنند، که تاکنون این قول تحقق نیافته است. خبرهای بدی از این کارخانه به گوش می‌رسد، که بر اساس آنها نباید امید داشت که دیگر قادر به ادامه کار باشد و در نتیجه، کارگران اخراج خواهند شد.

مجتمع‌های شیمی «تکست»، «متانول - ۲» نیز کاملاً به تعطیلی کشیده شده‌اند.

در کل، به دلیل مشکلات مالی دولت، اکثر پروژه‌های در دست احداث در این منطقه، تعطیل و یا نیمه تعطیل شده‌اند و آنهایی که در حال تولیدند، با مشکل تأمین قطعات و تجهیزات روبه‌رو هستند و در کل، اوضاع بیش از پیش به طرف رکود پیش می‌رود.

در ماه‌های اخیر، شاهد

اعتصاب‌های کارگری در مناطق مختلف ایران بوده‌ایم. به نظر شما، این اعتصاب‌ها چه نتایجی در بر داشته است؟

روشن است این اعتصابات نه تنها به کارگران در بخش‌های دیگر، بلکه به کل جامعه روحیه می‌دهد.

در پی این اعتراض‌ها، کارگر قدرت مبارزاتی خود را بیشتر درمی‌یابد؛ به ویژه، کارگران پیشرو از این اعتراضات نیرو می‌گیرند و اهمیت اعتراض متشکل را در میان کارگران مجتمع‌ها به هم کارگران یاد آور می‌شوند. مسئله اینست وقتی که کارگر در تنهایی به خود رجوع می‌کند، می‌بیند که با خطر از دست دادن کارش روبه‌رو است، محافظه‌کار می‌شود. انتظار خیلی فوق‌العاده‌ای هم نمی‌شود از او داشت. او خیلی راحت از شما می‌پرسد راضی هستی که من در قبال دست زدن به یک اعتراض علنی در برابر کارفرما، کارم را از دست بدهم؟ خوب، طبیعی است که شما قادر به دادن جواب مثبت نخواهید بود، اما وقتی کارگر خود را در جمع و متشکل و متحد می‌بیند، و همکاران خود در کارخانه بغل دستی را می‌بیند که مبارزه می‌کنند و جامعه را می‌بیند که سرشار از اعتراض است، محافظه‌کاری خود را کنار می‌گذارد، خصوصاً اینکه وقتی که روند اخراج و بیکاری را مقابل خود می‌بیند، وقتی که دستمزدش را نمی‌دهند و وقتی که زندگی‌اش به آخر خط می‌رسد، دیگر جایی برای محافظه‌کاری برایش باقی نمی‌ماند. یعنی راه دیگری در برابرش قرار ندارد.

او مجبور است برای دفاع از زندگی‌اش دست به مبارزه مرگ و زندگی بزند.

می‌خواهم بگویم که بدون شک، اعتصابات یک منطقه در ایران، در مناطق دیگر تأثیرات مهمی دارد. از جمله می‌تواند یک شهر را به جنب و جوش بیاورد و امید را در دل

## پیام دوم مادر فرزند کمانگر



این پیام اولین بار در مراسم گرامیداشت یاد فرزند و شیرین و مهدی و علی و فرهاد روز یکشنبه ۲۳ ماه می در شهر فرانکفورت آلمان قرائت شد.

متن پیام:

با سلام به همه انسانهای آزادخواه در سراسر جهان که در طول این دو هفته صدای ما را در جهان پخش کردند. من از همه رادیوها، تلویزیون‌ها از همه احزاب و سازمانها و گروهها، از همه سازمانهای مدافع حقوق بشر از همه انسانهایی که بهر شیوه در این مدت ما را یاری کرده و یاری دهنده بودند، تشکر میکنم. امروز من مثل همیشه از آنها خواهش میکنم، از همه آنها تمنا دارم که بفکر زندانیان سیاسی باشند. نگذارند که مادران دیگری داغدار شوند. دیگر بس است! نگذارند که مادران دیگر جگر گوشه‌هایشان را از دست بدهند.

من فرزند را از دست دادم. اما نمی‌خواهم هیچ مادریگری، هیچ

کارگران و خانواده‌های آنان ایجاد کند.

از همین رو، هر مبارزه‌ای باید مورد حمایت و پشتیبانی بخش‌های مختلف کارگران قرار گیرد.

واکنش دولت به اعتراض‌های صنفی کارگران در ایران و نیز تلاش آنان برای تشکل‌یابی را چگونه تحلیل می‌کنید؟

دولت از اعتراضات صنفی کارگری هراس دارد، چرا که امروزه، اعتراض صنفی با اعتراض سیاسی مساوی است. برای مثال، وقتی کارگر در اعتراض به حقوق معوقه خود اعتراض می‌کند، می‌بینید فوراً نیروی انتظامی را در مقابلش بسیج می‌کنند، حراست کارخانه به حال آماده‌باش در می‌آید.

حکومت به خوبی می‌داند اعتصاب حتی در یک کارخانه می‌تواند به چند مرکز دیگر سرایت یابد، می‌تواند خانواده‌ها را به

خانواده دیگری عزیزانشان را از دست بدهند. من از تمام معلمان، از تمام دانشجویان، از تمام مردم میخواهم و تمنا دارم که به فکر رهایی این عزیزان باشند. از همه مادرانی که مثل من عزیزی را از دست داده‌اند تا مادرانی که عزیزانشان در زندان هستند باهم بفکر آزادی عزیزان در بند باشیم.

عزیزانم! هنوز جسدها رابه ما تحویل نداده‌اند. باور کنید که فرزند نمرده است. فرزند زنده است و زنده ماندنش را در ابراز احساسات میلیونها انسان در داخل و خارج از کشور من می‌بینم که به اشکال مختلف ما را تنها نگذاشته و مطمئن هستم از این به بعد هم تنها نخواهند گذاشت. این پیام مرا همراه با سلام‌های یک مادر داغ دیده و همه بستگان فرزند کمانگر به همه برسانید.

میدان بیاورد، در شهر انعکاس وسیعی بیاید و به مبارزات گسترده در جامعه تبدیل شود؛ موضوعی که برای حکومت هزینه خواهد داشت.

به نظر من، دولت از این

موضوع می‌ترسد و برای همین، مانع تشکل‌یابی کارگران در مناطق گوناگون ایران می‌شود، اما ما برای اینکه قدرتمند باشیم، باید متشکل باشیم. قدرت ما کارگران در همین موضوع است و با اتکا به این قدرت نباید بگذاریم زندگی مان مورد تعرض و تهاجم قرار بگیرد.

ما نه تنها باید با طرح هدفمند شدن یارانه‌ها مخالفت کنیم، بلکه باید خوستار رایگان شدن درمان، آموزش و پرورش برای خانواده‌ها و کودکان مان در همه سطوح رایگان شوند. ما باید با ایجاد تشکل ویژه خود باید برای دستمزد یک میلیون تومانی در ماه برای کارگران تلاش کنیم